مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی
شماره‌های ۱ و ۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۰، صفحات ۵۰- ۷

تحلیل عملکرد و چشم‌انداز واردات

علیرضا باستانی[۱]
فرزانه نجفیان[۲]

آثار تجارت خارجی بر رشد اقتصادی کشورهای درحال‌توسعه از جمله موضوعات برجسته در ادبیات اقتصادی محسوب می‌شود. در این میان ارتباط میان انتقال تکنولوژی خارجی از طریق واردات و رشد اقتصادی کشورهای درحال‌توسعه از دهه ۶۰ میلادی مورد توجه اقتصادانان بوده است. به اعتقاد اندیشمندان اقتصادی همچون چنری، برونو، مکینون، بچا و تیلور بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه قادر به تولید کالاهای سرمایه‌ای تکنولوژی‌بر نبوده و لذا واردات کالاهای سرمایه‌ای نقش اساسی در دستیابی این کشورها به تکنولوژی پایه ایفا می‌کند. علاوه بر این، آثار واردات بر ارتقاء بهره‌وری نیروی‌کار و ارتقاء قدرت رقابت‌پذیری تولیدات داخلی کشورهای درحال‌توسعه از دیگر موضوعاتی بوده که برخی مطالعات تجربی بر آن تأکید ورزیده‌اند. واردات در اقتصاد ایران نیز نقش با اهمیتی را ایفا می‌نماید در حالی که درآمدهای نفتی در تنظیم سیاست‌های این حوزه نقش چشم‌گیری را ایفا نموده‌اند. از یک سو، بخش عمده‌ای از کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای مورد نیاز صنعت کشور از طریق واردات تأمین می‌شوند و از سوی دیگر، بخشی از مواد غذایی و سوخت مورد نیاز کشور نیز از طریق واردات جبران شده است. بنابراین در برنامه پنجم توسعه داشتن سیاست تجاری جامعی که متضمن تسهیل در تأمین نیازهای وارداتی کشور و در کنار آن افزایش توان‌رقابتی و جلوگیری از آسیب‌پذیری تولیدات داخلی شود از اهمیت بالایی برخوردار است. بر این اساس این مطالعه پس از تحلیل واردات کشور در برنامه‌های گذشته نسبت به تبیین اهداف کلان، راهبردها، سیاست‌ها، راهکارهای مناسب برای رسیدن به اهداف تعیین شده پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: واردات و رشد اقتصادی، واردات کشورهای منطقه، ترکیب واردات، تعرفه، توزیع واردات گمرکی، تحلیل SWOT، چشم‌انداز واردات، برنامه پنجم.

۱. پژوهشگر معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی. bastani.alireza@gmail.com
۲. پژوهشگر معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی. yasna_fn@yahoo.com

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

۱. مقدمه

امروزه بخش تجارت خارجی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود. تجربه‌های اخیر نشان داده است که تنها کشورهایی می‌توانند ابتکار عمل را در این بخش در دست داشته باشند که با توجه به اهداف بلندمدت اقتصادی- اجتماعی برنامه معینی را طراحی و سامان‌دهی کرده باشند. کشورهایی که توانسته‌اند سیاست‌های صحیحی را در این بخش انجام دهند ضمن آنکه تمام امکانات خود را در خدمت اهداف توسعه بکار گرفته‌اند از بروز بحران‌هایی همچون بحران در ترازپرداخت‌ها جلوگیری کرده‌اند. بدیهی است برای اتخاذ سیاست‌های مناسب در بخش تجارت خارجی مطالعه هرقدر دقیق‌تر باشد صادرات و واردات الزامی خواهد بود.

در بخش تجارت خارجی اقتصاد ایران واردات موضوعی است که در طول تاریخ تجارت خارجی ایران به‌ویژه با ظهور بخش نفت اهمیت و نقش آن دائماً گسترش یافته است. از سویی با توجه به وابستگی ساختاری صنعت و اقتصاد ایران به واردات از جهان، شناخت ابعاد این مسأله بسیار حائز اهمیت است. از سوی دیگر، ترکیب واردات به‌دلیل اثری که بر تولید داخل دارد اهمیتی دیگرگونه می‌یابد. در این مطالعه با بررسی تطبیقی واردات ایران و کشورهای منطقه به دنبال ارائه راهکارهایی برای مدیریت صحیح واردات کشور می‌باشیم.

بخش اول به بیان مبانی نظری و پیشینه تحقیق می‌پردازد. در بخش دوم به تجربه ۶ کشور منتخب در زمینه واردات و مقایسه با واردات ایران پرداخته و پس از آن روند واردات ۲۱ کشور منطقه طی سال‌های (۲۰۰۸-۲۰۰۰) ومقایسه آن با روند واردات ایران طی دوره مذکور بررسی شده است. بخش بعدی به بررسی عملکرد و ترکیب واردات و ساختار تعرفه ایران طی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه پرداخته و در بخش هفتم، مبادی وارداتی کشور مورد ارزیابی واقع شده است. در بخش هشتم نیز واردات کشور از مبادی غیررسمی طی سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ ارائه شده‌است. بخش دهم به ترسیم و تحلیل چشم‌انداز واردات ایران پرداخته است. سپس اهداف کلان (کیفی و کمی)، راهبردها، سیاست‌ها، راهکارها و در نهایت الزامات مورد نیاز به‌منظور اجرای سیاست‌ها ارائه شده است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

۲. مبانی نظری و پیشینه موضوع

۲-۱. استخراج تابع تقاضای واردات به لحاظ تئوریک

به‌لحاظ تئوریک تابع تقاضای واردات را می‌توان مبتنی بر فروضی از طریق حداکثرکردن مطلوبیت استخراج نمود. فروض مربوطه به این شرح می‌باشند:

- تمام تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در شرایط رقابت کامل عمل می‌نمایند به این معنا که تعداد تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در بازار زیاد بوده و ورود و خروج آنها به صنعت آزاد است. همچنین کالاها همگن و اطلاع کامل از وضعیت بازار وجود دارد.
- مصرف‌کنندگان در پی حداکثرکردن مطلوبیت و تولیدکننده به‌دنبال حداکثر کردن سود می‌باشند.

با توجه به این فروض می‌توان تابع تقاضای واردات را از طریق پروسه حداکثرسازی مطلوبیت با توجه به قید محدودیت بودجه استخراج کرد. به این صورت که فرض می‌شود مصرف‌کنندگان یک کشور با n کالای مصرفی مواجه‌اند به طوری‌که $X_{11}, X_{21}, ..., X_{n1}$ در داخل کشور تولید شده و در مقابل کالاهای $X_{12}, X_{22}, ..., X_{n2}$ نیز در خارج تولید می‌شوند. تابع مطلوبیت جمعی کشور مزبور تابعی از کل کالاهای تولیدشده در داخل و خارج است. چنانچه قیمت کالاهای تولیدشده در داخل را با $P_{11}, P_{21}, ..., P_{n1}$ و قیمت کالاهای تولیدشده در خارج را با $P_{12}, P_{22}, ..., P_{n2}$ نشان دهیم، در این حالت می‌توان کل هزینه‌ای که کشور موردنظر با توجه به بودجه آن صرف خرید کالا در داخل و خارج می‌کند را به‌صورت زیر نشان داد:

$$Y = P_{11}.X_{11} + ... + P_{n1}.X_{n1} + P_{11}.X_{11} + ... + P_{n2}.X_{n2}) = \sum_{i=1}^{n} P_{i1}X_{i1} + \sum_{i=1}^{n} P_{i2}X_{i2}) \quad (۱)$$

حال با حداکثرکردن تابع مطلوبیت جمعی با توجه قید بودجه کشور با استفاده از تکنیک لاگرانژ خواهیم داشت:

$$L = U(X_{11}, X_{12}, X_{21}, X_{22}, ..., X_{1n}, X_{2n}) + \lambda(Y - \sum_{i=1}^{n} P_{1i}X_{1i} + \sum_{i=1}^{n} P_{2i}X_{2i}) \quad (۲)$$

با استفاده از مشتق‌گیری خواهیم داشت:

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

$$\begin{aligned}
&\frac{\partial L}{\partial X_{1i}} = U_{1i} - \lambda P_{1i} = 0 \\
&\frac{\partial L}{\partial X_{2i}} = U_{2i} - \lambda P_{2i} = 0 \\
&\vdots \\
&\frac{\partial L}{\partial \lambda} = Y - \sum_{i=1}^{n} P_{1i} X_{1i} + \sum_{i=1}^{n} P_{2i} X_{2i}
\end{aligned} \qquad (۳)$$

با حل دستگاه معادلات فوق میزان تقاضای واردات به‌صورت زیر حاصل می‌شود:

$$X_{2i} = X_{2i}(P_{11}, P_{12}, P_{21}, P_{22}, \ldots, P_{1n}, P_{2n}, Y) \qquad (۴)$$

بر اساس پروسه حداکثرسازی تابع مطلوبیت جامعه با توجه به محدودیت بودجه کشور، توابع تقاضای واردات در شکل‌های مرسوم و سنتی آن به شرح زیر حاصل می‌شود:

$$\begin{aligned}
&M_t = M_t\left(Y_t, \frac{P_m}{P_d}\right) \\
&\frac{\partial M}{\partial Y} > 0 \qquad \frac{\partial M}{\partial\left(\frac{P_m}{P_d}\right)} < 0
\end{aligned} \qquad (۵)$$

که در آن، واردات تابعی مستقیم از درآمد (یعنی افزایش درآمد منجر به افزایش واردات شده) و تابعی معکوس از قیمت‌های نسبی (یعنی افزایش قیمت واردات منجر به کاهش واردات شده) است.

بنابراین، در ادبیات اقتصادی تقاضا برای واردات تابع درآمدکل واقعی و نسبت قیمت واردات به قیمت کالاهای داخلی (به‌عنوان شاخصی از نرخ ارز واقعی) در نظر گرفته می‌شود. در مطالعات تجربی که توسط خان در سال ۱۹۷۴ و خان و نایت در سال ۱۹۸۸ در ۳۴ کشورهای درحال‌توسعه صورت گرفت، واردات در این کشورها تابعی از درآمد واقعی نسبت قیمت واردات به قیمت داخلی(با فرض وجود درجه‌ای از جانشینی بین کالاهای وارداتی و کالاهای داخلی)، وجود ذخایر واقعی بین‌المللی و واردات با وقفه بود.[۱]

۱. مستندات برنامه سوم توسعه(۱۳۷۸)

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

۲-۲. آثار تجارت بر رشد

نظریه‌های بسیار و متفاوتی در رابطه با ارتباط تجارت‌خارجی و رشد توسعه اقتصادی از سوی اقتصاددانان مطرح شده است. گروهی از اقتصاددانان توسعه معتقدند که تجارت آزاد خارجی نقش مثبتی در رشد توسعه کشورهای جهان از جمله کشورهای درحال‌توسعه دارد و گروه دیگر معتقدند که تجارت بین‌الملل نمی‌تواند محرک قوی برای رسیدن به رشد توسعه کشورهای در حال توسعه باشد.

مجادله در خصوص تأثیر سیاست تجاری بر رشد اقتصادی از پیشینه طولانی برخوردار است. مرکانتلیست‌ها اتخاذ سیاست‌های محدودکننده واردات را تشویق می‌کردند.

در قرن ۱۸، الکساندر هامیلتون در آمریکا و در قرن ۱۹ فریدریک لیست در آلمان وضع تعرفه‌های وارداتی بر واردات کالاهای انگلیسی (قدرت بزرگ اقتصادی آن زمان) را برای رشد منابع کارخانه‌ای داخلی توصیه می‌کردند و در اواخر قرن ۱۹ بر جانشینی واردات تأکید شد. اروک وجود همبستگی مثبت تعرفه‌های وارداتی و رشد اقتصادی را برای اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ تأیید نمود (سلمانی و یاوری، ۱۳۸۳).

پس از جنگ جهانی دوم نگاه درون‌نگر بین اقتصاددانان، سیاستگذاران و برخی نهادهای بین‌المللی موردتوجه قرار گرفت. بر این اساس، اتخاذ سیاست جانشینی واردات سریع‌ترین راه صنعتی‌شدن و رشد اقتصادی محسوب می‌شد. به این، ترتیب سیاست جانشینی واردات طی دهه‌های ۱۹۵۰، ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ محور راهبردهای توسعه‌اقتصادی قرار گرفت. از جمله مهم‌ترین انتقادات وارد بر راهبرد جایگزینی واردات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- در این سیاست برای حمایت از صنایع داخلی از طریق واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای ارزان معمولاً نرخ‌های ارز پایین‌تر از حالت تعادلی قرار می‌گیرد (ارزش پول داخلی بالاتر) که این موضوع موجب می‌شود تا قیمت صادرات (برحسب پول داخلی) گران‌تر و قیمت واردات ارزان‌تر شود. حاصل چنین وضعیتی کاهش صادرات و از دست دادن بازار خارجی تولیدات داخلی است.
- به دلیل اینکه سیاست جایگزینی واردات، بازار تولیدات داخل را محدود به داخل مرزهای جغرافیایی کشور می‌کند امکان بهره‌گیری از صرفه‌های مقیاس را از صنایع سلب می‌نماید.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

• طی اجرای سیاست جایگزینی واردات، صنایع داخل به حمایت‌های دولتی وابسته شده و هیچ تلاشی برای کارایی فعالیت‌ها و بهبود روش‌ها (که یکی از ضروریات فعالیت در محیط رقابتی است) انجام نمی‌دهند.

• فرایند جانشینی واردات از مرحله جایگزینی واردات کالاهای ساده مصرفی به مرحله جایگزینی کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای که نیازمند سرمایه و تکنولوژی پیشرفته است بسیار مشکل و پرهزینه است.

در مجموع انتقاداتی که بر راهبرد جایگزینی واردات مطرح می‌شود این است که سیاست جایگزینی واردات در اغلب موارد از طریق واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای امکانپذیر است و موجب بدتر شدن تراز پرداخت‌ها نیز می‌گردد.

با بررسی‌ها و پژوهش‌هایی که در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی راهبرد جایگزینی واردات را مورد انتقاد قرار دادند و همچنین در کنار تجربه موفق برخی کشورهای درحال توسعه (سنگاپور، تایوان و کره‌جنوبی) که راهبرد برون‌نگر را جایگزین راهبرد درون‌نگر کردند و عملکرد ضعیف کلان اقتصادی کشورهای آمریکای‌لاتین که راهبرد جانشینی واردات را برگزیده بودند به تدریج باعث توجه به جهت‌گیری تجاری برون‌نگر در کشورهای در حال توسعه شد و این موضوع مبنایی برای توجه نظری و تجربی به رابطه مثبت بین آزادسازی تجارت خارجی و رشد اقتصادی قرار گرفت.

مقالات متعددی از آثار مثبت آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی حمایت می‌کنند. مانند دلار (۱۹۹۲)، ساکس و وارنر (۱۹۹۵)، فنستا و رز (۱۹۹۷)، ادواردز (۱۹۹۸)، دلار و کری (۲۰۰۲) و واکزارک و ولیچ (۲۰۰۳) با این حال رودریگز و رودریک (۲۰۰۰) تردید بر این اجماع قائل شده‌اند یعنی زمانی که آنها به نقد جنبه‌های گوناگون ادبیات آن پرداخته‌اند. طبق استدلال آنها یافتن یک پیوند سببی بین باز بودن تجارت و رشد اقتصادی به سختی امکان‌پذیر است.

رودریگز (۲۰۰۶) به تجزیه و تحلیل جدیدی در زمینه ادبیات تحقیقات اخیر پرداخت و بار دیگر بیان داشت که موفق به نشان دادن شواهد قانع‌کننده در خصوص ارتباط بین باز بودن و رشد اقتصادی نشده است. همچنین نکته برجسته در مطالعه رودریگز (۲۰۰۶) این بود که امکان تعیین رابطه مثبت یا منفی میان تجارت و رشد وجود دارد، اما این اطلاعات به اندازه کافی قوی نیست که بتوان از آن نتیجه مشخص گرفت.

در این زمینه مصادیقی در مطالعه بوگویت و سرینی ویسن (۱۹۹۹) وجود دارد که نیاز به انجام مطالعات در سطح کشوری به منظور تجزیه و تحلیل وجود پیوندهای مثبت بین باز بودن و رشد

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

اقتصادی به جای تجزیه و تحلیل بر مبنای داده‌های مقطعی وجود دارد. در این راستا، برخی از نمونه‌هایی از مطالعات کشوری صورت گرفته همچون جانسون و سابرامانیان (۲۰۰۱) و پندا (۲۰۰۴) که به ترتیب برای آفریقای جنوبی و ونزوئلا صورت گرفته ارتباطی مثبت بین باز بودن تجارت و رشد اقتصادی را نشان می‌دهد.

اگرچه در سیاست‌های تجاری برون‌نگر بر اهمیت اثر صادرات بر رشد تأکید شده و پیشنهاد کاهش حمایت‌های تجاری برای افزایش جریان کالا و خدمات به داخل اقتصاد داخلی مطرح می‌شود، در یک اقتصاد آزاد صادرات تنها متغیری نیست که می‌تواند بر تولید و بهره‌وری نیروی‌کار داخلی اثر گذارد بلکه واردات نیز راهی برای ورود تکنولوژی خارجی به اقتصاد داخلی می‌باشد.

اندیشمندان اقتصادی همچون چنری، برونو، مکینون، بچا و تیلور معتقدند بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه قادر به تولید کالاهای سرمایه‌ای تکنولوژی‌بر نبوده و لذا واردات کالاهای سرمایه‌ای نقش اساسی را در دستیابی این کشورها به تکنولوژی پایه ایفا می‌کنند (ژانگ وفوزو، ۱۹۹۵).

کالاهای واسطه‌ای وارداتی همچون ماشین‌آلات و ابزارآلات که در بردارنده تکنولوژی نوین هستند می‌توانند بهره‌وری نیروی‌کار را افزایش دهند. این تکنولوژی قابل رؤیت همچنین می‌تواند در کالاهای نهایی در سطح شرکت‌ها نیز ظاهر شود. زمانی‌که مقادیر گسترده و متنوع کالاهای وارداتی تولیدکنندگان داخلی را وادار به نوآوری در تولید و از این رو بکارگیری تکنولوژی نوین نموده است. به هر حال پیامد این تکنولوژی قابل‌رؤیت، افزایش در انباشت سرمایه‌های انسانی خواهد بود. در این حالت بهره‌وری بالاتر نیروی‌کار منجر به افزایش انگیزه تولیدکنندگان برای بکارگیری تکنولوژی خارجی از طریق افزایش در واردات به اقتصاد داخلی می‌شود. علاوه بر این، واردات کالاهای واسطه‌ای و نهایی به عنوان نیرویی برای فشار به تولیدکنندگان داخلی برای افزایش کارایی و نوآوری در تولید در رقابت با کالاهای مشابه خارجی خواهد شد. بنابراین، درک رابطه بین واردات و رشد بهره‌وری باعث می‌شود که منبع مهمی از اطلاعات برای تحلیل سیاست تجاری در اختیار قرار گیرد، زیرا از آن به عنوان ابزار کلیدی جهت ارزیابی تکنولوژی‌هایی که می‌بایست به کشور وارد شود یاد می‌شود. این موضوع برای کشورهای درحال‌توسعه که توانایی جذب شرکت‌های چند ملیتی را دارند اهمیت بیشتری می‌یابد. بنابراین، می‌بایست قیدهایی در این زمینه داشته‌باشند تا از ورود تکنولوژی‌های نامناسب جلوگیری شود. تا زمانی‌که تکنولوژی خارجی متضمن واردات باشد آنها می‌توانند دستیابی به تکنولوژی را با افزایش در واردات محقق نمایند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین مطالعات صورت گرفته در زمینه واردات پرداخته می‌شود.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

کروگر (۱۹۸۳) بیان می‌کند که کاهش واردات کالاهای سرمایه‌ای نرخ رشد GDP را کاهش می‌دهد.

محسن‌خان و رینهارت (۱۹۹۰) در یک مطالعه مقطعی (۱۹۷۹- ۱۹۷۰) برای ۲۴ کشور در حال توسعه، منابع مؤثر بر رشد آن کشورها را بررسی نموده‌اند. در این مطالعه ملاحظه گردید که واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای نیز تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی این کشورها داشته‌اند.

صالحی‌اصفهانی (۱۹۹۱) با استفاده از آمار و ارقام ۳۱ کشور صنعتی و با بکار بردن یک سیستم معادلات همزمان به بررسی آثار تجارت بر رشد اقتصادی (۱۹۸۶ —۱۹۶۰) پرداخت و نشان داد که واردات کالاهای واسطه‌ای تأثیر مثبت و معناداری بر رشد این کشورها داشته و محدودیت واردات این نوع کالاها تأثیر منفی بر رشد اقتصادی آنها ایجاد خواهد نمود.

یانگ‌لی (۱۹۹۵) نیز در یک مطالعه مقطعی (۱۹۸۵- ۱۹۶۰) برای ۸۹ کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه تأثیر واردات کالاهای سرمایه‌ای بر رشد اقتصادی را آزمون نمود. از جمله نتایج بدست‌آمده این است که هر قدر نسبت کالاهای وارداتی سرمایه‌ای به کالاهای سرمایه‌ای داخلی افزایش یابد شاهد اثر مثبت و معناداری بر نرخ رشد در آمد سرانه کشورهای در حال توسعه مورد مطالعه خواهد بود و برعکس افزایش واردات کالاهای سرمایه‌ای در کشورهای توسعه‌یافته مورد مطالعه منجر به کاهش رشد اقتصادی آنها خواهد شد.

همچنین بر اساس مطالعه فرجادی و لعلی (۱۳۷۶) که به بررسی تأثیر واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای بر رشد اقتصادی ایران طی دوره (۱۳۷۳-۱۳۴۰) پرداخته‌اند واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارند اما اهمیت کالاهای سرمایه‌ای بر رشد اقتصادی بیشتر بوده است و هر اندازه نسبت واردات کالاهای سرمایه‌ای به کالاهای سرمایه‌ای تولیدشده در داخل افزایش یابد رشد اقتصادی افزایش خواهد یافت. این موضوع بیانگر کارایی و بهره‌وری بالای کالاهای سرمایه‌ای وارداتی نسبت به کالاهای سرمایه‌ای تولیدشده در داخل می‌باشد.

مطالعه توکلی و کریمی (۱۳۷۶) به ارتباط مثبت و قوی میان نرخ رشد واردات و نرخ رشد تولید تأکید دارد. این مطالعه نشان داد که واردات کالاهای سرمایه‌ای اثر بیشتری بر رشد تولید دارد.

مطالعه خیابانی (۱۳۷۸) که به برآورد مدل‌های واردات ایران طی دوره (۱۳۷۵-۱۳۳۸) می‌پردازد نشان می‌دهد که با توجه به اینکه کشش کوتاه‌مدت درآمدی بزرگتر از کشش بلندمدت آن می‌باشد لذا در کوتاه‌مدت به دلیل عدم امکان سریع جانشینی کالای داخلی به جای خارجی،

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

افزایش تولید به افزایش واردات (واسطه‌ای و سرمایه‌ای) منجر می‌شود اما در بلندمدت امکان جانشینی واردات وجود خواهد داشت.

از سوی دیگر، برخی از مطالعات به تخمین تابع تقاضای واردات پرداخته و نحوه اثرگذاری تولید بر واردات را مورد ارزیابی قرار داده‌اند.

هوتاکر و مگی(۱۹۶۹) در مطالعه مشترکی شامل ۳ بخش به محاسبه کشش‌های قیمتی و درآمدی واردات و صادرات پرداختند. در بخش اول کل واردات و صادرات کشورهای صنعتی، در بخش دوم صادرات آمریکا به سایر کشورها و وارداتش از آنها برای دوره (۱۹۶۶-۱۹۵۱) و در بخش سوم واردات و صادرات آمریکا برحسب گروه کالاها با داده‌های فصلی دوره (۱۹۶۶-۱۹۴۷) برآورد شده است. برای دو بخش اول روش حداقل مربعات معمولی برای تخمین مدل زیر بکار رفته است:

$$Log(M_{it}) = A_{0t} + A_{1t}Log(Y_{it}) + A_{2t}Log\left(\frac{PM_{it}}{WP_{it}}\right) + U_{it} \qquad (۵)$$

که در آن، M_{it} : واردات i امین کشور، Y_{it} : یک شاخص از GNP کشور واردکننده و PM_{it} و WP_{it} نیز به‌ترتیب شاخص قیمت واردات به i امین کشور و شاخص قیمت عمده‌فروشی در کشور واردکننده است. در بخش دوم نیز مدل تقاضای واردات پویای زیر تصریح شده است:

$$Log(M_t) = D_0 + D_1Log(M_{t-1}) + D_2(LogY_t - LogY_{t-1}) + D_3(LogP_t - LogP_{t-1}) + e_t \qquad (۶)$$

نتایج حاکی از آن است که واردات رابطه معکوس با قیمت‌های نسبی و رابطه مثبت با درآمد(تولید داخلی) دارد.

ویلیام همفیل(۱۹۷۴) در مطالعه دیگری به بررسی تأثیر دریافتی‌های ارزی و ذخایر ارزی بر واردات گروهی از کشورهای کمتر توسعه‌یافته پرداخت. از آنجایی‌که معمولاً این کشورها با کمبود دریافتی‌ها و ذخایر ارزی مواجهند این مطالعه به بررسی تأثیر این متغیرها می‌پردازد. مدل بکار گرفته شده دراین مطالعه به این صورت می‌باشد:

$$M_t = C_0 + C_1R_{t-1} + C_2F_t + C_3\Delta F_t + e_t \qquad (۷)$$

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

که در آن، R : ذخایر بین‌المللی کشور واردکننده و F : سطح دریافتی‌های ارزی است. نتایج حاکی از آن است که متغیرهای دریافتی‌های ارزی و ذخایر ارزی دوره پیش و تغییرات ذخایر ارزی به‌ترتیب تأثیر بیشتری بر واردات دارند.

در مطالعه دیگری که توسط موران (۱۹۸۹) انجام شده است وی به تبعیت از همفیل کاری مشابه انجام داد اما متغیرهای درآمد و قیمت‌های نسبی را نیز در مدل وارد کرد و به نتایج مشابه با همفیل دست یافت.

توکلی (۱۳۷۱) در مطالعه خویش به تخمین تابع تقاضای واردات برای دوره زمانی (۱۳۷۰-۱۳۳۸) پرداخته است. در این مطالعه وی واردات را تابعی از درآمد واقعی، قیمت نسبی واردات، دریافتی‌های ارزی و ذخایر بین‌المللی می‌داند. شکل تابع تقاضای واردات به‌صورت لگاریتمی خطی و در برآورد نهایی از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) استفاده شده است.

مطالعات تجربی صورت گرفته در کشورهای در حال توسعه بیانگر ارتباط مثبت میان تسهیل در واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و رشد اقتصادی در این کشورها می‌باشد.

بیدآباد (۱۳۷۶) در الگوی اقتصادسنجی کلان خویش معادله‌ای برای واردات تصریح کرده است که در آن واردات تابعی از نرخ ارز مؤثر، شاخص قیمت واردات، درآمد ناشی از صادرات کالا و خدمات، تولید ناخالص داخلی و حساب سرمایه می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که نرخ ارز مؤثر و شاخص قیمت واردات تأثیر منفی و تولید و حساب سرمایه تأثیر مثبتی بر واردات دارند.

قطمیری (۱۳۷۶) در مطالعه خویش با هدف برآورد کشش‌های درآمدی و قیمتی واردات کل به تخمین تابع تقاضای واردات پرداخته است. در این مطالعه واردات واقعی تابعی از تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت، نسبت شاخص قیمت کالاهای وارداتی به شاخص قیمت کالاهای داخلی ذخایر ارزی غیر از طلا گرفته شده است.

کیانی(۱۳۷۶) در مطالعه دیگری به بررسی رابطه بلندمدت تعادلی بین متغیرهای تابع تقاضای واردات با استفاده از روش‌های همگرایی پرداخته است. در این مطالعه واردات تابعی از دریافتی‌های ارزی، شاخص قیمت کالاهای خارجی به داخلی، تولید ناخالص داخلی و ذخایر بین‌المللی واقعی باوقفه است. نتایج نشان می‌دهد که قیمت نسبی بیشترین کشش بلندمدت را داراست و در نتیجه افزایش قیمت‌های نسبی باعث کاهش واردات می‌شود.

ابریشمی و دیگران (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای تأثیر آزادسازی تجاری بر صادرات و واردات برخی از کشورهای درحال‌توسعه منتخب ازجمله ایران را با استفاده از روش پویای داده‌های پانل مورد

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

بررسی قرارداده‌اند. نتایج در معادله تقاضای واردات حاکی از آن است که کاهش تعرفه وارداتی و متغیر آزادسازی تجاری اثر مثبت و معناداری بر رشد واردات کشورهای درحال‌توسعه به‌ویژه ایران دارد و همچنین متغیرهای تولید ناخالص داخلی اثر مثبت و قیمت‌های نسبی اثر منفی و معناداری بر رشد واردات دارند.

تشکینی و باستانی (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای به تخمین توابع تقاضای واردات به تفکیک کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی ایران برای دوره زمانی (۱۳۸۲- ۱۳۳۸) با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی رگرسیون‌های به‌ظاهر نامرتبط (SUR) پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد یک درصد افزایش در تولیدناخالص‌داخلی به‌ترتیب باعث افزایش واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای به میزان ۰/۶۱ و ۰/۲۱ درصد می‌شود.

با وجود مبانی‌نظری و مطالعات تجربی فراوان همچنان در خصوص تأثیر سیاست تجاری بر رشداقتصادی اختلاف‌نظر وجود دارد، اما اغلب پژوهشگران درباره تأثیر مثبت کاهش محدودیت‌های تجاری بر تسهیل تجارت و رشد اقتصادی اتفاق‌نظر دارند، البته به شرط آنکه بازبودن تجاری با نظام ارزی با ثبات و غیرتبعیضی، سیاست محتاطانه پولی و مالی، مدیریت سالم و بدون تخلف سیاست اقتصادی همراه باشد. علاوه بر این، یافته‌های مطالعات تجربی در کشورهای در حال توسعه و از جمله مطالعات تجربی صورت گرفته در ایران نشان می‌دهند که واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای به کشور آثار مثبتی بر رشد اقتصادی داشته است.

در ادامه، به بررسی تجربه ۶ کشور منتخب (۲ کشور توسعه‌یافته، ۲ کشور درحال‌توسعه و ۲ کشور مشابه ایران) در زمینه واردات پرداخته می‌شود.

۳. شواهد تجربی ۶ کشور منتخب

این قسمت به بررسی تجربه ۶ کشور منتخب عضو سازمان تجارت جهانی در زمینه واردات می‌پردازد. بر این اساس میزان واردات در این کشورها و نرخ تعرفه‌ها و فرایند رسمی واردات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

با آزادسازی‌های تجاری که در دو دهه اخیر صورت گرفته حجم تجارت جهانی به شدت افزایش یافته است. برای نمونه در حالی‌که حجم واردات در سال پایانی دهه ۹۰ میلادی حدود ۶ هزار میلیارد دلار بود این رقم به ۱۶/۴ هزار میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ رسید. البته در سال جاری و

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

در پی بحران جهانی واردات در شش‌ماهه نخست سال میلادی نسبت به مدت مشابه سال پیش ۳۲ درصد کاهش یافته‌است.

بررسی روند واردات در کشورهای منتخب طی سال‌های (۲۰۰۸ - ۲۰۰۰) نشان می‌دهد در شرایطی که واردات جهانی به‌طور متوسط سالانه ۱۳/۵ درصد رشد داشته واردات در این کشورها بین ۲۰-۹ درصد رشد سالانه داشته است. جدول (۱) واردات کشورهای منتخب را طی دوره یادشده نشان می‌دهد.

جدول ۱. واردات کشورهای منتخب طی دوره (۲۰۰۸-۲۰۰۰)

(ارقام به میلیارد دلار)

نام کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	متوسط رشد سالانه(درصد)
آلمان	۴۹۷/۲	۴۸۶/۱	۴۹۰/۳	۶۰۴/۶	۷۱۵/۷	۷۷۷/۱	۹۰۶/۷	۱۰۵۵	۱۲۰۳/۸	۱۲
مالزی	۸۲	۷۳/۹	۷۹/۹	۸۳/۳	۱۰۵/۳	۱۱۴/۶	۱۳۱/۲	۱۴۷	۱۵۶/۹	۸/۹
فرانسه	۳۳۸/۹	۳۲۸/۶	۳۲۹/۳	۳۹۸/۸	۴۷۰/۹	۵۰۴/۱	۵۴۱/۹	۶۱۹/۵	۷۰۵/۶	۹/۹
عربستان	۳۰/۲	۳۱/۲	۳۲/۳	۳۶/۹	۴۷/۴	۵۹/۵	۶۹/۸	۹۰/۲	۱۱۵/۱	۱۸/۷
مصر	۱۴/۶	۱۳/۴	۱۲/۸	۱۳	۱۶	۲۲/۴	۲۷/۳	۳۷/۱	۴۷/۵	۱۷/۲
ترکیه	۵۴/۵	۴۱/۴	۵۱/۶	۶۹/۳	۹۷/۵	۱۱۶/۸	۱۳۹/۶	۱۷۰/۱	۲۰۲	۱۹/۴
ایران	۱۳/۹	۱۶/۷	۲۰/۶	۲۴/۸	۳۲	۴۰	۸/۴۰	۴۴/۹	۵۷/۴	۱۹/۷

Source: World Merchandise Imports by Region and Selected Economy, 2008,www.wto.com.

براساس جدول (۱) ایران از لحاظ رشد واردات نسبت به سایر کشورهای مورد بررسی در رتبه اول قرار می‌گیرد. پس از آن ترکیه که یکی از عمده‌ترین شرکای تجاری ایران از لحاظ میزان واردات محسوب می‌شود با متوسط رشد سالانه ۱۹/۴ درصد و عربستان با متوسط رشد سالانه ۱۸/۷ درصدی در ردیف بعد قرار می‌گیرد.

از جمله معیارهایی که می‌توان بر اساس آن فضای تجاری کشورهای مختلف را مورد مقایسه قرار داد، میانگین نرخ تعرفه می‌باشد. به‌طوری‌که در جدول (۲) مشاهده می‌شود میانگین ساده تعرفه‌های ایران در مقایسه با کشورهای منتخب به میزان قابل ملاحظه‌ای بیشتر است. در زمینه میانگین ساده تعرفه‌های کالاهای صنعتی نیز ایران سقف تعرفه به مراتب بالاتری را تجربه کرده است. از بین کشورهای منتخب در زمینه تعرفه محصولات کشاورزی تنها مصر با ۶۶/۴ درصد و ترکیه با ۴۶/۷ درصد میانگین تعرفه‌ای بالاتری نسبت به ایران دارند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

جدول۲. میانگین ساده تعرفه کشورهای منتخب در سال ۲۰۰۷

نام کشور	سال عضویت در WTO	میانگین ساده تعرفه	میانگین ساده تعرفه کالاهای کشاورزی	میانگین ساده تعرفه کالاهای صنعتی
آلمان	۱۹۹۵	۵/۲	۱۵	۳/۸
مالزی	۱۹۹۵	۸/۴	۱۱/۷	۷/۹
فرانسه	۱۹۹۵	۵/۲	۱۵	۳/۸
عربستان	۲۰۰۵	۵	۷/۶	۴/۷
مصر	۱۹۹۵	۱۶/۷	۶۶/۴	۹/۲
ترکیه	۱۹۹۵	۱۰	۴۶/۷	۴/۸
ایران	عضو ناظر	۲۶/۲	۲۸/۹	۲۵/۸

Source: World Tariff Profiles 2008, www.wto.com.

به‌طوری که در جدول (۲) ملاحظه می‌شود، کشور عربستان که ۴ سال پیش به عضویت در سازمان جهانی تجارت سقف تعرفه‌های پایین‌تری نسبت به کشورهایی نظیر ترکیه و مصر دارد. درواقع اعضای اولیه کشورهای در حال توسعه در سازمان جهانی تجارت تا حدودی توانسته‌اند نسبت به کشورهایی که در سال‌های اخیر به عضویت سازمان یاد شده درآمده‌اند متوسط تعرفه بالاتری را برای خود به‌ویژه برای محصولات کشاورزی حفظ نمایند.

در مجموع به نظر می‌رسد با توجه به بالا بودن نرخ متوسط تعرفه‌ها در کشور، هر قدر کشورمان دیرتر به عضویت در سازمان جهانی تجارت درآید تعهدات بیشتری را در زمینه کاهش تعرفه‌ها باید بپذیرد.

از دیگر موضوعات قابل مقایسه در رابطه با تجارت با دیگر کشورها، هزینه و بوروکراسی برای واردات کالا به یک کشور است. این موضوع در مؤلفه تجارت فرامرزی در شاخص فضای کسب و کار مورد توجه قرار گرفته است. مطابق جدول (۳) یک واردکننده کالا در ایران باید اسناد بیشتری را برای واردات ارائه کند و علاوه بر این زمان بیشتر و هزینه بیشتری را برای واردات صرف نماید.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

جدول۳. مولفه‌های شاخص تجارت فرامرزی برای واردات و میانگین تعرفه کشورهای منتخب

نام کشور	تعداد اسناد لازم برای واردات	زمان لازم برای واردات (روز)	هزینه واردات (دلار برای هر کانتینر)
آلمان	۵	۷	۹۳۷
مالزی	۷	۱۴	۴۵۰
فرانسه	۲	۱۱	۱۲۴۸
عربستان	۵	۱۸	۶۷۸
مصر	۶	۱۵	۸۲۳
ترکیه	۸	۱۵	۱۰۶۳
ایران	۸	۳۸	۱۷۰۶

Source: Doing Business 2010, www.World Bank.org.

۴. مطالعات تطبیقی ایران با کشورهای منطقه

تدوین استراتژی مناسب به‌منظور دستیابی به اهداف برنامه پنجم و متعاقب آن سند چشم‌انداز ۲۰ ساله مبنی بر دستیابی به قدرت اول اقتصادی منطقه مستلزم شناخت دقیقی از ساختار اقتصادی کشورهای منطقه می‌باشد. در زمینه واردات این امر معطوف به بررسی واردات و مقایسه تطبیقی واردات کشور و کشورهای منطقه است. در جدول (۴) واردات ایران و ۲۱ کشور منطقه طی سال‌های(۲۰۰۸-۲۰۰۰) ارائه شده است.

جدول ۴. واردات کشورهای منتخب واقع در منطقه طی سال‌های (۲۰۰۸-۲۰۰۰)

(ارقام به میلیارد دلار)

نام کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	متوسط رشد سالانه(درصد)
قطر	۳/۲۵	۳/۷۶	۴/۰۵	۴/۹	۶/۰۱	۱۰/۰۶	۱۶/۴۴	۲۲/۰۱	۲۶/۸۵	۳۱/۷
قرقیزستان	۰/۵۵	۰/۴۷	۰/۵۹	۰/۷۲	۰/۹۴	۱/۱	۱/۷۲	۲/۴۲	۴/۰۷	۳۰/۷
قزاقستان	۵/۰۴	۶/۴۵	۶/۵۸	۸/۴۱	۱۲/۷۸	۱۷/۳۵	۲۳/۶۸	۳۲/۷۶	۳۷/۸۹	۲۹/۵
آذربایجان	۱/۱۷	۱/۴۳	۱/۶۷	۲/۶۳	۵۲/۳	۳/۳۵	۵/۲۷	۶/۰۵	۷/۵۸	۲۶/۹
اوکراین	۱۳/۹۶	۱۵/۷۸	۱۶/۹۸	۲۳/۰۲	۲۹	۳۶/۱۴	۴۵/۰۴	۶۰/۶۲	۸۵/۵۳	۲۵/۹
ارمنستان	۰/۸۸	۰/۸۷	۰/۹۹	۱/۲۸	۱/۳۵	۱/۸	۲/۱۹	۳/۲۷	۴/۴۱	۲۳/۳
سوریه	۳/۸۲	۴/۵۷	۴/۴۹	۵/۱۱	۸/۴۱	۱۰/۸۶	۱۱/۴۹	۱۴/۶۶	۱۸/۳۲	۲۳/۱
تاجیکستان	۰/۶۸	۰/۶۹	۰/۷۲	۰/۸۸	۱/۱۹	۱/۳۳	۷۲/۱	۲/۴۶	۳/۲۷	۲۲/۵

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

ادامه جدول ۴.

نام کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	متوسط رشد سالانه(درصد)
امارات	۳۵/۰۱	۳۷/۲۹	۴۲/۶۵	۵۲/۰۷	۷۲/۰۸	۸۴/۶۵	۱۰۰/۰۶	۱۳۲/۴۹	۱۶۵/۶۲	۲۱/۸
عمان	۵/۱۳	۵/۹۳	۶/۳	۶/۸	۸/۸	۸/۹۷	۱۱/۰۴	۱۶/۰۳	۲۲/۹۹	۲۱/۶
یمن	۲/۳۲	۲/۴۷	۹۲/۲	۳/۶۸	۳/۹۹	۵/۳۸	۶/۰۷	۸/۵۱	۹/۹۶	۲۰/۵
ایران	۱۳/۹	۱۶/۷۱	۲۰/۶۲	۲۴/۸	۳۱/۹۸	۴۰/۰۴	۴۰/۷۷	۴۴/۹۴	۵۷/۴۱	۱۹/۷
پاکستان	۱۰/۸۶	۱۰/۱۹	۱۱/۲۳	۱۳/۰۴	۱۷/۹۵	۲۵/۳۶	۲۹/۸۳	۳۲/۵۹	۴۲/۳۳	۱۹/۵
ترکیه	۵۴/۵	۴۱/۴	۵۱/۵۵	۶۹/۳۴	۹۷/۵۴	۱۱۶/۷۷	۱۳۹/۵۸	۱۷۰/۰۶	۲۰۱/۹۶	۱۹/۴
عربستان	۳۰/۲۴	۲۲/۳۱	۳۲/۲۹	۳۶/۹۲	۴۷/۳۸	۵۹/۴۶	۶۹/۸	۹۰/۲۲	۱۱۵/۱۵	۱۸/۶
ترکمنستان	۱/۷۹	۲/۲۵	۲/۱۲	۲/۵۱	۳/۳۲	۲/۹۵	۲/۵۶	۳/۶۲	۵/۶۷	۱۸
عراق	۱۳/۳۸	۱۳/۱۲	۹/۸۲	۹/۹۳	۲۱/۳	۲۳/۵۳	۲۰/۸۹	۲۱/۵۲	۳۱/۲	۱۷
کویت	۷/۱۶	۷/۸۷	۹	۱۰/۹۹	۱۲/۶۳	۱۵/۸	۱۷/۲۳	۲۰/۳۷	۲۴/۸۷	۱۷
افغانستان	۱/۱۸	۱/۷	۲/۴۵	۲/۱	۲/۱۸	۲/۴۷	۲/۵۸	۲/۸۲	۳/۳۵	۱۵/۴
لبنان	۶/۲۳	۷/۳۸	۶/۵۶	۷/۳۲	۹/۶۱	۹/۶۳	۹/۶۵	۱۲/۲۵	۱۶/۷۵	۱۴/۳
ازبکستان	۲/۷	۲/۸۱	۲/۴۳	۲/۶۶	۳/۳۹	۳/۶۷	۴/۳۸	۴/۸۵	۷/۰۸	۱۴
بحرین	۴/۶۳	۴/۳۱	۵/۰۱	۵/۶۶	۷/۳۹	۹/۳۹	۱۰/۵۲	۱۱/۴۹	۱۲/۵	۱۳/۷

Source: World Merchandise imports by region and selected economy, 2008, www.wto.com.

مطابق آمار، واردات کالایی ایران از حدود ۱۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۵۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ رسیده است که با متوسط رشد سالانه ۱۹/۷ درصد در رتبه ۱۲ از نظر متوسط نرخ رشد واردات میان کشورهای مورد بررسی قرار می‌گیرد. قطر با متوسط رشد سالانه ۳۱/۷ درصد و قرقیزستان با متوسط رشد سالانه ۳۰/۷ درصد در جایگاه اول و دوم قرار می‌گیرند.

بررسی ارزش واردات سال ۲۰۰۸ نشان می‌دهد که به‌ترتیب ترکیه، امارات و اوکراین، بیشترین میزان واردات بین کشورهای مورد بررسی منطقه برخوردار بوده است. طی سال‌های (۲۰۰۵-۲۰۰۰) ترکیه، امارات و عربستان همواره بالاترین میزان واردات را در مقایسه با سایر کشورهای مورد بررسی داشته‌اند و پس از آنها ایران از بالاترین میزان واردات برخوردار است. از سال ۲۰۰۶ به بعد اوکراین از ایران پیشی گرفته و ایران از لحاظ ارزش واردات بین کشورهای مورد بررسی در رتبه پنجم قرار گرفته است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

۵. بررسی عملکرد واردات در طول برنامه‌های توسعه

۵-۱. دوره برنامه اول توسعه

در برنامه اول توسعه پیش‌بینی شده بود که واردات در طول اجرای برنامه حدود ۱۱۴/۳ میلیارد دلار صورت گیرد و در واقع هدف برنامه مذکور این بود که واردات نسبت به عملکرد ۱۰ سال گذشته ۶۶ درصد افزایش یابد، به طوری که از میانگین سالانه ۱۳/۸ میلیارد دلار به ۲۲/۹ میلیارد دلار در پایان دوره افزایش یابد. تصور برنامه‌ریزان آن بود که با قرارگرفتن کشور در مسیر توسعه، اقتصاد ایران توانایی آنرا دارد تا این میزان جهش وارداتی را تأمین منابع کند. در عمل نیز واردات پس از توقف جنگ تحمیلی روند فزاینده‌ای گرفت و با دریافت اعتبارات مالی و وام‌های خارجی در قالب مفاد برنامه اول توسعه جهش قابل توجهی یافت. به طوری که واردات از ۱۰/۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۶ به ۲۵/۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۰ افزایش یافت و رشد سالانه ۳۳ درصدی را تجربه کرد.

هدفگذاری بسیار بالای واردات در برنامه اول و بازگشایی درهای اقتصادی برای ورود کالاهای متنوع و نامتناسب با صادرات در عمل باعث شد که حجم بالایی از کالاهای مختلف طی سال‌های برنامه با دریافت تسهیلات خارجی با بازپرداخت کوتاه‌مدت و با بهره‌های نسبتاً بالا به‌ویژه در سال‌های ۱۳۷۱و ۱۳۷۲ وارد کشور شود. در سال ۱۳۷۱ به‌دلیل اعتبارات دریافتی مذکور، مشکلات بازپرداخت بدهی بر بخش بازرگانی مستولی شد و موجبات محدود شدن واردات فراهم گردید. به این ترتیب طی سال‌های (۱۳۷۳–۱۳۷۱) واردات سالانه ۳۱ درصد کاهش یافت و از ۲۵/۱ به ۱۲/۶ میلیارد دلار کاهش یافت. به‌طور کلی در این دوره با توجه به اعتبارات گسترده دریافت شده، ۹۹/۵ میلیارد دلار واردات کالا به کشور انجام گرفت که ۸۷ درصد پیش‌بینی برنامه را محقق نمود.

۵-۲. دوره برنامه دوم توسعه

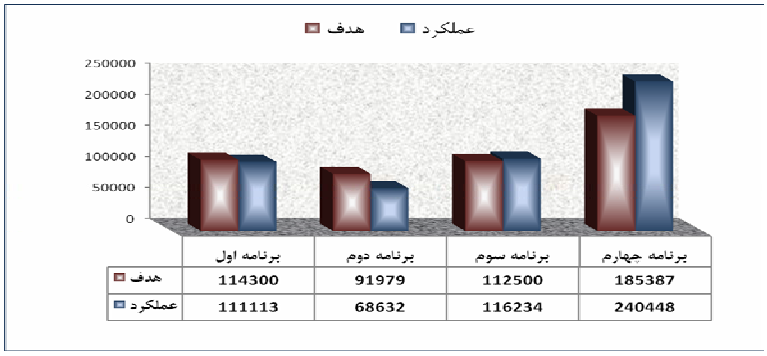
برنامه دوم توسعه با توجه به تجربه برنامه اول که از یک سو واردات به میزان کمتری نسبت به پیش‌بینی برنامه انجام گرفت و از سوی دیگر نیز به‌دلیل اینکه افزایش واردات با افزایش بدهی‌های کشور همراه شد، هدف‌گذاری کمتری نسبت به برنامه اول مورد توجه قرار گرفت به‌طوری که این برنامه پیش‌بینی در خصوص واردات را با ۲۰ درصد کاهش، ۹۸/۲ میلیارد دلار برای سال‌های اجرای برنامه در نظر گرفت. به‌طوری که بخشی از صادرات کشور در این مرحله برای بازپرداخت بدهی‌های قبلی بکار گرفته شود.

در سال‌های اجرایی برنامه دوم به‌ویژه در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ به دلیل کاهش درآمد نفتی متأثر از بحران جنوب شرقی آسیا، اعمال محدودیت‌ها بر واردات تداوم یافت و کنترل‌های مختلف

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

بر واردات مانند محدودیت‌های قانونی و تعدادی، نرخ‌های تعرفه بالا، تخصیص مستقیم ارز برای واردات ابزارهایی بودند که به منظور تنظیم واردات اتخاذ شدند.

اعمال محدودیت‌های فوق بر واردات باعث شد که طی سال‌های (۱۳۷۸–۱۳۷۴) واردات در حد میانگین ۱۳/۸ میلیارد دلار حفظ شود و نوسان خاصی را تجربه نکند. همان‌طور که در نمودار (۱) ملاحظه می‌شود در حقیقت طی سال‌های برنامه مذکور به میزان ۶۹/۶ میلیارد دلار واردات کالا به کشور انجام گرفت که ۷۶ درصد پیش‌بینی برنامه را پوشش می‌داد.



مأخذ: بانک مرکزی و قانون برنامه‌های اول، دوم، سوم و چهارم توسعه.

نمودار ۱. هدف‌گذاری و عملکرد واردات گمرکی کشور طی برنامه‌های توسعه

۵-۳. دوره برنامه سوم توسعه

با رفع بحران اقتصادی جهانی در سال ۱۳۷۷ (بحران جنوب شرق آسیا) و رونق اقتصاد جهانی، درآمد نفتی کشور اندکی بهبود یافت. به این ترتیب با توجه به عدم تحقق ۲۴ درصدی واردات در برنامه دوم توسعه هدفگذاری در خصوص واردات برای پنج سال برنامه سوم در حد برنامه قبل به میزان ۹۲/۷۶ میلیارد دلار در نظر گرفته شد. با افزایش صادرات کشور در سال‌های اولیه برنامه سوم توسعه، سیاست‌های محدودکننده بر واردات مرتفع گردید، به طوری که موانع غیرتعرفه‌ای در مقابل واردات حذف شده، نرخ‌های بالای تعرفه محدود گردید، واردات بدون انتقال ارز آزاد و رویه‌های ساده‌تر برای تجارت و واردات اتخاذ شد. به این‌ترتیب طی سال‌های برنامه مذکور، سالانه ۲۴ درصد افزایش یافت و از ۱۵/۱ به ۳۶/۶ میلیارد دلار بالغ شد و در مجموع به میزان ۱۲۱/۴ میلیارد دلار واردات انجام گرفت. به‌طور کلی در این دوره واردات فراتر از پیش‌بینی صورت گرفته رقم خورد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

۵-۴. دوره برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸- ۱۳۸۴)

در برنامه چهارم توسعه رشد متوسط سالانه ۶/۶ درصدی برای واردات پیش‌بینی شده بود، اما در چهار سال اجرای برنامه میزان واردات فراتر از پیش‌بینی برنامه محقق شد. در حالی‌که میزان واردات برای سال ۱۳۸۴، ۳۲/۲ میلیارد دلار تعیین شده بود میزان واردات در این سال به حدود ۳۹ میلیارد دلار رسید. در سال‌های دیگر، اجرای برنامه میزان واردات باز هم از میزان هدف‌گذاری شده فراتر رفت، به‌طوری که در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ به ترتیب ارزش واردات کشور به ۴۱/۷۲ و ۴۸/۴۳ میلیارد دلار رسید. ارزش واردات کشور در سال ۱۳۸۷ نیز به رقمی معادل ۵۶/۴ میلیارد دلار رسیده‌است، در حالی‌که هدف برنامه برای سال مذکور ۳۹/۷۸ میلیارد دلار تعیین شده بود. جدول (۵) عملکرد واردات طی برنامه‌های پنج ساله توسعه را نشان می‌دهد.

جدول۵. هدف‌گذاری و عملکرد واردات گمرکی کشور طی برنامه‌های توسعه

برنامه	هدف برنامه (میلیون دلار)	عملکرد (میلیون دلار)	درصد تحقق برنامه
برنامه اول (۱۳۷۲ – ۱۳۶۸)	۱۱۴۳۰۰	۱۱۱۱۱۳	۹۷/۲
برنامه دوم (۱۳۷۸- ۱۳۷۴)	۹۱۹۷۹	۶۸۶۳۲	۷۴/۶
برنامه سوم (۱۳۸۳- ۱۳۷۹)	۱۱۲۵۰۰	۱۱۶۲۳۴	۱۰۳/۳
برنامه چهارم(۱۳۸۸- ۱۳۸۴)	۱۸۵۳۸۷	۲۴۰۴۴۸	۱۲۹/۷

مأخذ: بانک مرکزی و قانون برنامه‌های اول، دوم، سوم و چهارم توسعه.

در مجموع همان‌طورکه جدول (۵) نشان می‌دهد، در برنامه اول توسعه ۱۱۴/۳ میلیارد دلار به عنوان هدف واردات تعیین شد که ۱۱۱/۱ میلیارد دلار آن محقق شده است. به عبارت دیگر، در این برنامه ۹۷/۲ از اهداف برنامه برای واردات تحقق یافته است. در برنامه دوم توسعه هدف برنامه برای واردات به۹۱/۹۷ میلیارد دلار بود که ۶۸/۶۳ میلیارد دلار یا به عبارت دیگر ۷۴/۶ از اهداف برنامه محقق شد. عملکرد برنامه سوم و مقایسه آن با هدف برنامه برای واردات نشان‌دهنده این است که ارزش واردات این دوره به ۱۶/۲۳ میلیارد دلار رسیده است. این رقم فراتر از اهداف پیش‌بینی شده برنامه یعنی ۱۱۲/۵ میلیارد دلار بوده است. به عبارت دیگر، ۱۰۳/۳ درصد از اهداف برنامه محقق شد. درصد تحقق اهداف این برنامه برای واردات در طول چهار سال برنامه چهارم(۱۳۸۷-۱۳۸۴) نیز میزان واردات گمرکی به رقم ۲۴۰۴۴۸ میلیارد دلار رسید که این رقم تحقق ۱۲۹/۷ درصدی را نسبت به اهداف تعیین شده نشان می‌دهد. عملکرد واردات در چهار برنامه گذشته مبین این است در

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

سال‌هایی که کشور با محدودیت منابع ارزی که عمدتاً ناشی از درآمدهای نفتی مواجه شده سیاست‌های محدودکننده تجاری مورد استفاده قرار گرفته و به این طریق واردات کاسته شده‌است و در سال‌هایی که درآمد نفت افزوده شده بر میزان واردات کالا به کشور افزوده شده‌است.

۶. ترکیب کالاهای وارداتی به کشور

آمارهای بازرگانی نشان می‌دهند که طی سال‌های (۱۳۴۷-۱۳۳۸) سهم کالاهای مصرفی از واردات کشور از ۳۰ درصد به ۱۱ درصد تقلیل و در مقابل، سهم کالاهای واسطه‌ای از ۴۹ درصد به ۶۲ درصد افزایش یافته‌است. سهم کالاهای سرمایه‌ای نیز در این دوره با اندکی افزایش از ۲۱ درصد به ۲۷ درصد رسیده‌است. این تغییر در بخش خارجی اقتصاد ایران حاکی از شکل‌گیری سیاست جایگزینی واردات در کشور در این دوره است، به گونه‌ای که در این مرحله در مقابل واردات کالاهای مصرفی- با توجه به موانع تعرفه‌ای که در مقابل واردات کالاهای نهایی قرار دارد-کالاهای واسطه‌ای از طریق روش‌های ساده‌تر تجاری به کشور وارد شده و در داخل مونتاژ و به بازار مصرف عرضه شده است.

سهم کالاهای مصرفی از واردات طی دوره (۱۳۵۸-۱۳۴۸) با روند ثابتی از ۱۱ به ۲۶ درصد افزایش یافته است. واردات کالاهای سرمایه‌ای از سال ۱۳۴۸ روند نزولی طی نمود به گونه‌ای که در سال ۱۳۵۳ به ۲۰ درصد کاهش یافت.

در سال ۱۳۵۴ متعاقب افزایش درآمد نفتی کشور و افزایش واردات اتفاقی که در سهم کالاهای وارداتی افتاد آن بود که سهم کالاهای سرمایه‌ای به ۳۰ درصد رسید یعنی سهم بیشتر واردات به کالاهای سرمایه‌ای تعلق گرفت. در مقابل، به دلیل عدم امکان جذب کالاهای واسطه‌ای به اندازه سرعت جذب کالاهای مصرفی در اقتصاد سهم کالاهای واسطه‌ای از واردات کشور از ۶۴ درصد سال قبل به ۵۳ درصد تقلیل یافت، البته سهم کالاهای واسطه‌ای متأثر از صنعت مونتاژ کشور همچنان در حد قابل توجهی بوده اما با افزایش واردات کالاهای مصرفی، واردات کالاهای سرمایه‌ای کاسته شده است. طی سال‌های (۱۳۵۷-۱۳۵۳) به‌دلیل اتخاذ درهای باز، سهم کالاهای مصرفی در واردات از ۱۵ درصد به ۲۰ درصد افزایش یافت و سهم کالاهای واسطه‌ای و نهایی در کالاهای وارداتی در این دوره اندکی کاهش یافتند.

با وقوع انقلاب اسلامی و ایجاد شرایط بی‌ثباتی و نیز تغییر در مالکیت صنایع و ملی شدن آنها مشاهده می‌شود که سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای از ۲۸ درصد سال ۱۳۵۷ به ۱۹ درصد در سال ۱۳۵۸ تقلیل یافت. در مقابل، کالاهای مصرفی و نیز واسطه‌ای در نخستین سال بعد از انقلاب افزایش

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

یافت به طوری‌که سهم واردات کالاهای مصرفی از ۲۰ درصد سال ۱۳۵۷ به ۲۶ درصد در سال ۱۳۵۸ رسید.

با وقوع جنگ تحمیلی محدودیت‌های بیشتری بر واردات کشور اعمال شد و مبادلات خارجی با توجه به محدودیت‌های ارزی کشور کنترل شد. به این‌ترتیب آمارهای واردات از سال ۱۳۶۱ به بعد نشان‌دهنده آن است که از طریق اعمال این محدودیت‌ها، سهم کالاهای مصرفی از واردات کاسته شده و در مقابل، سهم کالاهای سرمایه‌ای از واردات افزایش یافته‌است. البته سهم کالاهای واسطه‌ای در این دوره همچنان سهم قابل‌توجهی از واردات یعنی در حد ۶۰ درصد است که این موضوع نشان‌دهنده تداوم شرایط وابستگی صنعتی متأثر از الگوی صنعتی مونتاژ در ایران است.

در سال ۱۳۶۸ یعنی اولین سال پس از جنگ تغییر محسوسی در ترکیب واردات انجام نشد، اما در سال ۱۳۶۹ که واردات کشور با استفاده از تسهیلات مالی خارجی روند فزاینده‌ای به خود گرفت. در چارچوب برنامه اول سهم بیشتری به واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای تعلق گرفت، به‌طوری که سهم کالاهای سرمایه‌ای با ۱۰ درصد افزایش از ۲۳ به ۳۳ درصد افزایش یافت. آمارهای واردات نشان می‌دهند تحولی که در ترکیب واردات کشور به دنبال افزایش آن از سال ۱۳۶۸ اتفاق افتاده سهم کالاهای مصرفی در واردات از ۱۸ درصد به ۱۰ درصد تقلیل یافته و در مقابل سهم کالاهای سرمایه‌ای در واردات بیشتر شده است.

از سال ۱۳۷۵ به بعد تحول قابل‌توجهی در سهم کالاهای وارداتی صورت گرفت، به گونه‌ای که سهم کالاهای واسطه‌ای از ۶۰ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۴۴ درصد در سال ۱۳۸۱ تقلیل یافته و در مقابل، سهم کالاهای سرمایه‌ای از واردات از ۲۵ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۴۴ درصد در سال۱۳۸۱ افزایش یافت و به عبارتی، طی دوره (۱۳۸۱-۱۳۷۵) کالاهای سرمایه‌ای وارداتی جایگزین کالاهای واسطه‌ای شده است. البته سهم کالاهای مصرفی در واردات در برنامه سوم به میانگین ۱۴ درصد رسید و در همین مقدار باقی‌مانده است. ترکیب واردات در برنامه چهارم در جدول (۶) نشان داده شده است.

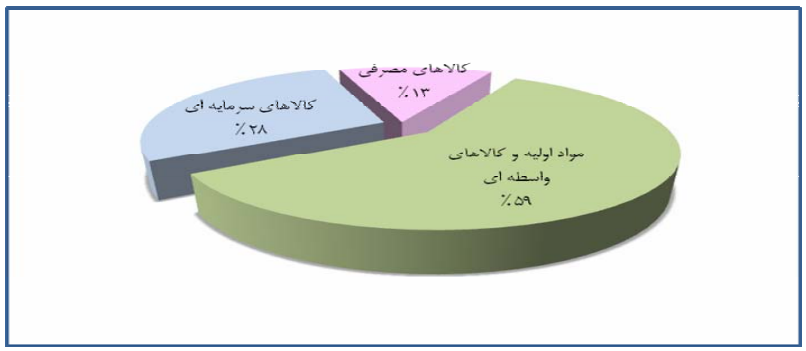
جدول۶. ترکیب واردات بر اساس کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای در برنامه چهارم

سال	واردات		ترکیب ارزش واردات کشور (درصد)			
	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	واسطه‌ای	سرمایه‌ای	مصرفی	مجموع سهم کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای
۱۳۸۴	۳۴۲۱۳	۳۹۲۴۸	۶۵/۹	۲۱	۱۳	۸۶/۹
۱۳۸۵	۴۳۴۹۲	۴۱۷۲۳	۶۷/۸	۱۷/۷	۱۴/۵	۸۵/۵
۱۳۸۶	۴۲۰۷۵	۴۸۴۳۹	۶۶	۱۵/۶	۱۲	۸۱/۶
۱۳۸۷	۴۳۹۸۳	۵۵۸۴۹	۶۷	۱۶/۴	۱۲/۸	۸۳/۴
۱۳۸۸	۵۱۸۵۰/۹	۵۵۱۸۹/۳	۶۶/۲۴	۱۴/۷۱	۱۵/۳۰	۸۰/۹۵

مأخذ: گمرک ایران.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

مطابق جدول در طول ۵ سال اجرای برنامه چهارم توسعه، بخش اعظم واردات کشور را مواد اولیه و واسطه‌ای و سرمایه‌ای تشکیل می‌دهند که در رونق تولید و اشتغال حائز اهمیت بالایی است. دلیل عمده این موضوع را می‌توان استفاده از کالای سرمایه‌ای جهت سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و معدنی، کشاورزی، خدماتی، زیربنایی، نفت، گاز و پتروشیمی و همچنین استفاده از کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه برای تداوم خطوط تولید صنعتی، معدنی، کشاورزی به منظور تداوم توسعه زیربخش‌های خدمات، انرژی آب، برق، نفت و گاز دانست. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این مدت بیش از ۸۰ درصد از کالاهای وارداتی کشور به این دو گروه تعلق داشته است. نمودار (۲) ترکیب کالاهای وارداتی را طی برنامه اول تا چهارم توسعه نشان می‌دهد.



مأخذ: سازمان توسعه تجارت ایران

نمودار۲. ترکیب کالاهای وارداتی در طول برنامه‌های اول تا چهارم توسعه

از آنجایی‌که تبیین واردات تنها در سه گروه کلی واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی نمی‌تواند تصویر کاملی از کالاهای وارداتی به کشور را ارائه دهد، استفاده از دیگر شیوه‌های طبقه‌بندی کالایی می‌تواند این تصور را کامل‌تر کند. بر این اساس در این قسمت نگاهی اجمالی به ترکیب واردات بر مبنای سه روش طبقه‌بندی گروه‌های عمده اقتصادی، استاندارد تجارت بین‌الملل و رشته فعالیت‌های اقتصادی صورت می‌گیرد.

از جمله طبقه‌بندی‌های مرسوم در تجارت بین‌الملل طبقه‌بندی بر حسب گروه‌های عمده اقتصادی (BEC)[1] است. زیرگروه‌های BEC به صورت تقریبی سه دسته کالاهای اصلی عنوان شده در سیستم حساب‌های ملی یعنی سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی را پوشش می‌دهد. در جدول (۷)

1. Classification By Broad Economic Categories

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

ارتباط ۱۹ گروه اصلی BEC با سه گروه اصلی کالاها در SNA را نشان داده و در جدول (۸) ترکیب واردات کالا به کشور را بر حسب سطح اول این طبقه‌بندی نشان می‌دهد.

جدول۷. طبقه‌بندی کالاهای بر حسب BEC و ارتباط آن با SNA

شماره گروه	طبقه بندی بر حسب BEC	طبقه‌بندی گروه کالاها در SNA
۱	**غذا و آشامیدنی‌ها**	
۱۱	اولیه	
۱۱۱	عمدتاً برای رشته فعالیت‌ها	کالای واسطه
۱۱۲	عمدتاً برای مصرف خانوار	کالای مصرفی
۱۲	عمل‌آوری شده(ثانویه)	
۱۲۱	عمدتاً برای رشته فعالیت‌ها	کالای واسطه
۱۲۲	عمدتاً برای مصرف خانوار	کالای مصرفی
۲	**فرآورده‌های صنعتی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر**	
۲۱	اولیه	کالای واسطه
۲۲	عمل‌آوری شده(ثانویه)	کالای واسطه
۳	**سوخت‌ها و روغن‌ها**	
۳۱	اولیه	کالای واسطه
۳۲	عمل‌آوری شده(ثانویه)	
۳۲۱	بنزین	
۳۲۲	سایر	کالای واسطه
۴	**کالاهای سرمایه‌ای(به جز وسایل حمل ونقل) و لوازم و قطعات یدکی آن**	
۴۱	کالاهای سرمایه‌ای(به جز وسایل حمل ونقل)	کالای سرمایه‌ای
۴۲	لوازم و قطعات یدکی	کالای واسطه
۵	**وسایل حمل ونقل و لوازم و قطعات یدکی آن**	
۵۱	وسایل موتوری مسافربر	
۵۲	سایر	
۵۲۱	رشته فعالیت‌ها	کالای سرمایه‌ای
۵۲۲	غیر از رشته فعالیت‌ها	کالای مصرفی
۵۳	لوازم و قطعات یدکی	کالای واسطه
۶	کالاهای مصرفی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	
۶۱	با دوام	کالای مصرفی
۶۲	کم دوام	کالای مصرفی
۶۳	بی دوام	کالای مصرفی
۷	**کالاهای طبقه‌بندی نشده در جای دیگر**	

Source: Unstats.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

جدول۸. واردات کالا به ایران بر حسب طبقه‌بندی BEC طی سال‌های(۱۳۸۷-۱۳۸۰)

(ارقام به میلیون دلار)

	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷
غذا و آشامیدنی‌ها	۲۱۵۱/۷	۱۶۸۳/۷	۱۶۵۷/۳	۱۹۴۳/۴	۲۲۲۷/۱	۳۴۸۷/۵	۳۶۶۱/۳	۶۷۸۹/۲
فرآورده‌های صنعتی طبقه‌بندی‌نشده در جای دیگر	۶۳۵۱/۲	۷۹۹۸/۷	۹۸۹۹	۱۲۶۷۶	۱۳۱۳۲	۱۵۱۸۰	۲۰۷۱۹	۲۱۴۵۰
سوخت‌ها و روغن‌ها	۵۶۹/۹	۱۰۵۸/۱	۱۲۹۳/۹	۲۹۸۷/۴	۴۱۷۱/۹	۵۳۲۶/۸	۴۳۲۳/۲	۴۶۰۷/۸
کالاهای سرمایه‌ای (به جز وسایل حمل‌ونقل) و لوازم و قطعات یدکی آن	۵۵۷۱/۵	۶۰۸۸	۷۵۳۵/۹	۹۹۴۸/۸	۱۰۶۷۹	۹۹۸۳/۳	۱۰۵۴۵	۱۲۲۱۴
وسایل حمل ونقل و لوازم و قطعات یدکی آن	۲۸۲۱/۱	۴۴۵۷/۲	۴۷۷۰/۴	۳۴۱۵/۴	۳۸۳۰/۸	۳۳۳۰/۱	۴۱۸۵/۷	۵۳۰۱/۱
کالاهای مصرفی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۵۷۲/۲	۷۸۰/۷	۱۲۹۰/۵	۴۲۳۳/۵	۵۰۷۱/۵	۴۲۰۸/۴	۴۹۲۴/۲	۵۴۴۷/۵
کالاهای طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۲/۲	۳	۴/۱	۴/۶	۶/۱	۰/۴	۱/۱	۱/۸
سایر	۰	۷/۳	۲/۴	۱۶/۹	۱۲/۹	۲۷/۴	۲۷/۲	۱۹/۲
جمع کل	۱۸۰۴۰	۲۲۰۷۷	۲۶۴۵۴	۳۵۲۲۶	۳۹۱۳۲	۴۱۵۴۴	۴۸۳۸۶	۵۵۸۳۱

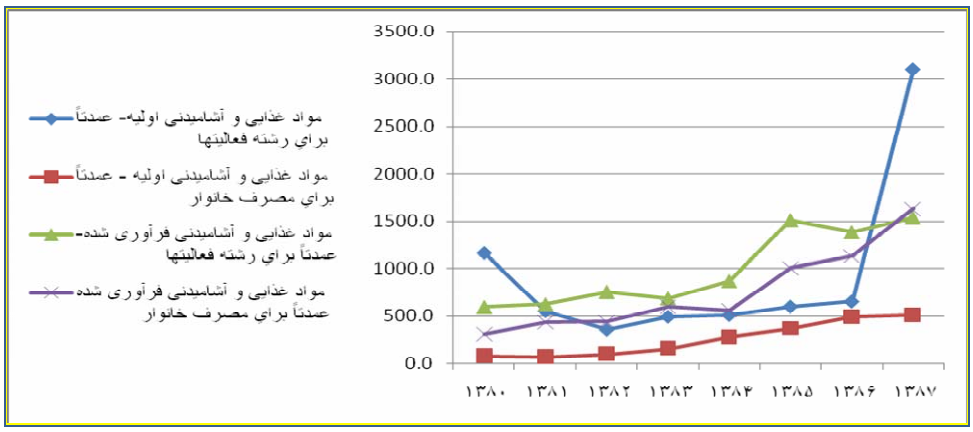
مأخذ: نتایج تحقیق.

از جمله نکات برجسته‌ای که در رابطه با واردات بر حسب این طبقه‌بندی کالایی می‌توان اشاره داشت این است که در طبقه اول که واردات کالاهای خوراکی و آشامیدنی را نشان می‌دهد در سال ۱۳۸۷ بالغ بر ۷/۶ میلیارد دلار کالا وارد کشور شده و ۱۲ درصد کالاهای وارداتی را تشکیل می‌دهد. کالاهای این طبقه شامل موادخوراکی و آشامیدنی اولیه و فرآوری شده است که مورد مصرف نهایی خانوارها و فعالیت‌های صنعتی قرار می‌گیرد. نمودار (۳) ترکیب واردات کالاهای مذکور را نشان می‌دهد. به طوری‌که در این نمودار ملاحظه می‌شود مواد غذایی فرآوری شده مورد استفاده در بخش‌های تولیدی و مورد مصرف خانوار بیشترین سهم را در واردات این طبقه دارد. همچنین در سال ۱۳۸۷ واردات مواد خام غذایی مورد مصرف در بخش‌های تولیدی به شدت افزایش یافته است.

از دیگر موضوعات قابل‌توجه در این طبقه‌بندی روند واردات کالاهای مصرفی (غیرخوراکی و آشامیدنی) است. کالاهای مصرفی در این طبقه‌بندی بر حسب سه گروه کالاهای مصرفی بی‌دوام، کم‌دوام و بادوام قرار دارند. در سال ۱۳۸۷ واردات این گروه از کالاها بالغ بر ۴/۵ میلیارد دلار بوده

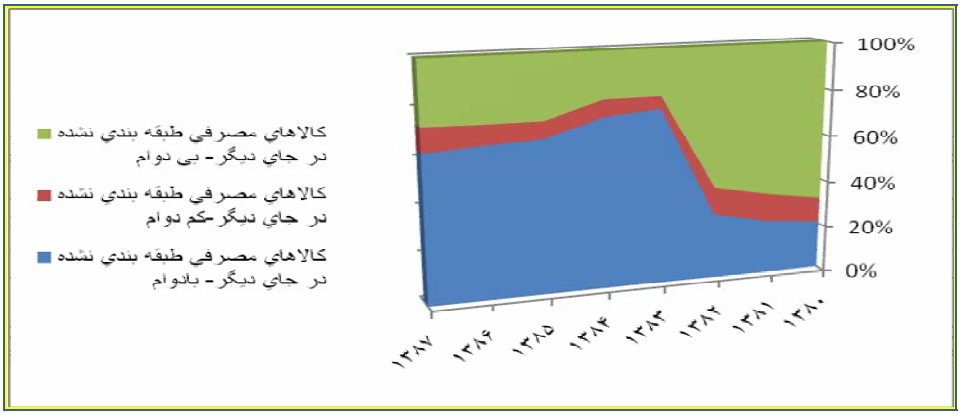
[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

و سهمی ۶/۹ درصدی در واردات داشته‌اند. به طوری که در نمودار (۴) ملاحظه می‌شود در طول سال‌های اخیر سهم عمده واردات این طبقه را کالاهای مصرفی بادوام تشکیل داده است.



مأخذ: نتایج تحقیق.

نمودار۳. ترکیب واردات غذایی و آشامیدنی طی سال‌های (۱۳۸۷-۱۳۸۰)
بر حسب طبقه‌بندی BEC



مأخذ: نتایج تحقیق.

نمودار ۴. ترکیب واردات انواع کالاهای مصرفی طی سال‌های (۱۳۸۷-۱۳۸۰)
بر حسب طبقه‌بندی BEC

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

از دیگر شیوه‌های طبقه‌بندی کالاهای تجاری که در بررسی‌های اقتصادی مورد استفاده قرارمی‌گیرد، نشان دادن واردات بر حسب طبقه‌بندی استاندارد تجارت بین‌الملل (SITC)[1] است. در این طبقه‌بندی در سطح اول SITC, Rev 3 کالاها در ۹ قسمت قرار دارند. در جدول (۹) واردات کالا در طول سال‌های اخیر بر اساس این طبقه‌بندی ارائه شده است.

از جمله نکات با اهمیت که در بررسی واردات بر اساس این طبقه‌بندی می‌توان به آن اشاره کرد این است که در مقایسه ترکیب واردات قسمت‌های ۹ گانه قبل و بعد از سیاست‌های آزادسازی تجاری (۱۳۸۱) نشان می‌دهد:

- بیشترین واردات در هر دو دوره مربوط به واردات ماشین‌آلات و لوازم حمل بوده است.
- در دوره آزادسازی تجاری، واردات مواد سوختی به شدت افزایش یافته است.

جدول۹. ارزش واردات گمرکی بر اساس طبقه‌بندی sitc طی سال‌های (۱۳۸۵- ۱۳۷۷)

(ارقام به میلیون دلار)

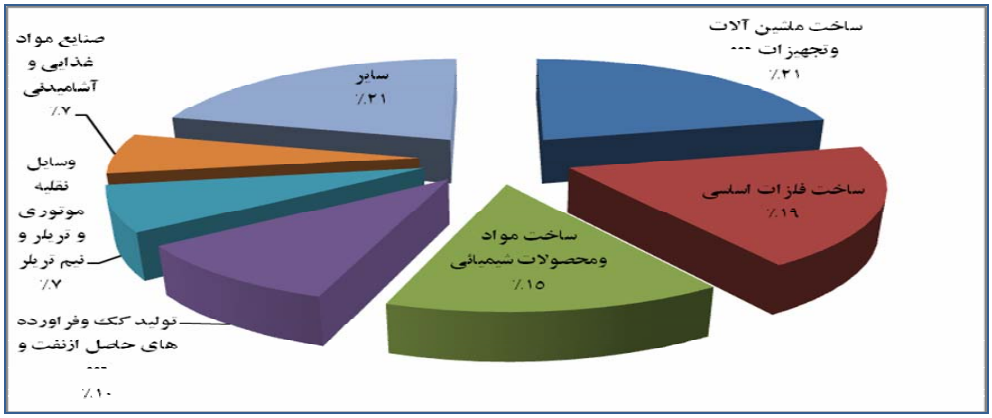
	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶
مواد غذایی و حیوانات زنده	۱۵۸۳	۱۹۵۳	۱۹۷۷	۲۱۰۶	۱,۵۲۲	۱۴۱۹	۱۷۳۳	۱۷۹۱	۳۲۴۳	۳۱۷۲
نوشابه‌ها و دخانیات	۹	۶	۱۷	۱۸	۱۳۸	۲۸۷	۳۲۳	۴۳۷	۵۲۵	۴۹۲
مواد خام غیرخوراکی به‌استثنای مواد نفتی و سوختنی	۵۹۶	۶۴۸	۷۰۷	۶۷۵	۷۴۲	۱۰۸۱	۱۴۹۴	۱۲۸۹	۱۵۷۲	۲۳۸۶
مواد معدنی، سوخت، مواد روغنی و مواد مربوط به آن	۱۸۶	۲۱۵	۳۳۰	۵۷۸	۱۰۶۷	۱۳۱۹	۳۰۴۴	۴۱۹۸	۵۳۵۶	۴۴۰۶
روغن‌های گیاهی و حیوانی	۶۵۴	۵۱۶	۴۱۷	۳۸۸	۴۸۹	۶۷۵	۶۱۸	۶۴۶	۶۹۳	۱۰۰۰
مواد شیمیایی	۱۷۷۴	۱۸۹۴	۲۰۲۷	۲۳۸۴	۲۵۸۰	۳۳۹۱	۴۲۰۸	۴۱۹۱	۴۸۵۰	۶۲۵۶
کالاهایی که طبقه‌بندی آنها بر حسب ماده بکار رفته در آنها صورت گرفته است	۲۵۲۰	۲۲۱۳	۳۱۸۵	۳۳۱۹	۳۲۲۰	۵۴۴۵	۷۱۸۲	۸۲۶۶	۸۸۷۶	۱۲۶۷۲
ماشین‌آلات و لوازم حمل و نقل	۶۳۴۸	۴۷۸۵	۵۱۷۲	۷۵۶۵	۱۰۲۲۱	۱۲۰۰۵	۱۵۸۲۵	۱۷۲۱۷	۱۵۰۱۷	۱۶۴۹۳
کالاهای ساخته‌شده متفرقه	۵۳۸	۳۰۵	۴۴۷	۵۳۵	۷۱۶	۹۰۰	۹۱۳	۱۱۴۲	۱۱۱۹	۱۴۶۵
کالاهایی که بر اساس نوع مصرف طبقه‌بندی نشده‌اند	۱۱۵	۱۴۸	۶۷	۵۷	۱۵۸۱	۷۵	۴۸	۷۰	۴۷۱	۹۸
جمع کل	۱۴۳۲۳	۱۲۶۸۳	۱۴۳۴۶	۱۷۶۲۵	۲۰۷۵۶	۲۶۵۹۷	۳۵۳۸۸	۳۹۲۴۷	۴۱۷۲۲	۴۸۴۴۰

مأخذ: ترازنامه بانک مرکزی، سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۶.

1. Standard International Trade Classification

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

از دیگر معیارها برای نشان دادن ترکیب واردات، نشان دادن آن بر اساس طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی تمام رشته فعالیت‌های اقتصادی (ISIC)[1] است. به طوری که پیش از این ذکر شد بخش عمده‌ای از کالاهای وارداتی به کشور را کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و اولیه تشکیل می‌دهند و این کالاها در صنایع مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرند. همان طور که در نمودار (۵) ملاحظه می‌شود در طول دوره به طور متوسط بیشترین واردات کالایی مربوط به ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات بوده و پس از آن ساخت فلزات اساسی، ساخت مواد و محصولات شیمیایی، تولید کک و فرآورده‌های حاصل از نفت، تولید وسایل نقلیه موتوری و صنایع غذایی بیشترین واردات را داشته‌اند.



مأخذ: نتایج تحقیق

نمودار ۵. متوسط سهم واردات فعالیت‌های مختلف صنعتی طی سال‌های (۱۳۸۷-۱۳۸۰) بر حسب طبقه‌بندی ISIC

بررسی کالاهای وارداتی به کشور در سال ۱۳۸۸ نشان می‌دهد که بنزین، شمش آهن و فولاد، گندم، برنج، محصولات از آهن و فولاد و اجزا و قطعات توربین‌های گازی از جمله اقلامی بوده‌اند که بیشترین ارزش را در میان کالاهای وارداتی به کشور داشته‌اند (جدول ۱۰).

1. International Standard Industrial Classification of All Economic Activities

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

جدول ۱۰. اقلام عمده وارداتی در سال ۱۳۸۸ به ترتیب ارزش

رتبه	نام محصول
۱	بنزین
۲	شمش ازآهن وفولاد که در جای دیگر ذکر نشده
۳	سایر گندم سخت
۴	برنج
۵	محصولات از آهن یافولاد
۶	اجزاء وقطعات توربین‌های گازی
۷	سایر روغن‌های سبک وفرآورده‌ها بجز بنزین
۸	طلای خام برای مصارف غیر پولی
۹	دانه ذرت به جز ردیف ۱۰۰۵۱۰۱۰
۱۰	قطعات منفصله جهت تولیدخودروهای سواری

مأخذ: آمار کارشناسی نشده گمرک ایران.

۷. ساختار تعرفه ایران در طول برنامه‌های گذشته

۷-۱. موانع تعرفه‌ای

برنامه اول توسعه: به طور کلی تعرفه‌ها و شبه‌تعرفه‌ها در طول برنامه اول توسعه شامل حقوق گمرگی، سود بازرگانی، حق ثبت سفارش، عوارض گمرکی (مانند عوارض شهرداری، هلال‌احمر و غیره) و مابه‌التفاوت دریافتی توسط سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولید کنندگان بود (رازینی، ۱۳۷۸).

- نرخ‌های حقوق گمرکی ایران بین صفر تا ۱۰۰ درصد بود که شامل ۲۳ نرخ تعرفه‌ای مختلف می‌شد.
- نرخ‌های حقوق گمرکی ۹۵ درصد از کالاها، بین صفر تا ۵۰ درصد بود.
- متوسط نرخ حقوق گمرکی ایران ۲۷/۷ درصد بود.
- نرخ سود بازرگانی در قانون مقررات صادرات و واردات مذکور از صفر تا ۵۰۰ درصد بود که شامل ۶۷ نرخ مختلف می‌شد.

برنامه دوم توسعه: تعرفه‌ها و شبه تعرفه‌ها در برنامه دوم مانند برنامه اول توسعه بود.

- بر اساس بند ب تبصره ۲۱ قانون برنامه دوم، مجلس شورای اسلامی مرجع تعیین حقوق گمرکی و دولت مرجع تعیین سود بازرگانی بود.
- در تبصره ۲۴ قانون برنامه مذکور نیز برتعیین قیمت پایه و اخذ مابه التفاوت از کالاهای وارداتی تأکید شده بود.
- نرخ حقوق گمرکی کالاهای وارداتی بین صفر تا ۲۵ درصد بود (رازینی، ۱۳۸۱).

برنامه سوم توسعه: موانع تعرفه‌ای و شبه تعرفه‌ای در برنامه سوم توسعه به شرح زیر بود:

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

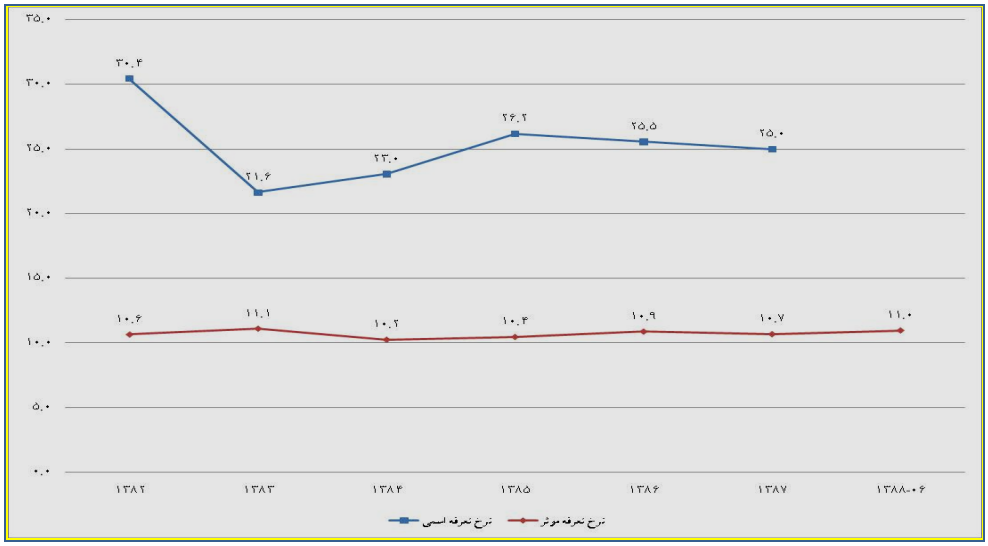
ـ حقوق پایه: حقوق پایه توسط مجلس شورای اسلامی تعیین شده و برای تمام کالاها ۴ درصد بود.

ـ سود بازرگانی: سود بازرگانی به صورت سالانه توسط دولت تعیین می‌گردید. به عنوان نمونه در سال۱۳۸۳ میزان آن بین صفر تا ۱۱۶ درصد بود (رازینی و باستانی، ۱۳۸۳).

– برای حدود یک سوم کالاهای وارداتی نرخ تعرفه ۴ درصد وضع شده و همچنین نیمی از کالاها تعرفه‌ای کمتر از ۱۵ درصد داشتند.

– میانگین ساده حقوق ورودی در سال پایانی برنامه سوم در حدود ۲۱/۶ درصد بود در حالی که در این سال نرخ مؤثر تعرفه ۱۱/۱ درصد بوده است.

برنامه چهارم توسعه: در این برنامه همچون برنامه سوم موانع تعرفه‌ای شامل حقوق پایه و سود بازرگانی بود. در این دوره، حمایت‌ها عمدتاً از طریق موانع تعرفه‌ای دنبال می‌شد. میانگین نرخ ساده تعرفه در سال آغاز برنامه، ۲۳ درصد بود و در سال ۱۳۸۵ به ۲۶/۲ افزایش یافت و در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ به ترتیب به ۲۵/۵ و ۲۵ درصد رسید. در حالی که در این سال‌ها همواره نرخ تعرفه مؤثر حدود ۱۱ درصد بوده است (نمودار ۶).



مأخذ:نتایج تحقیق.

نمودار ۶ . روند نرخ تعرفه مؤثر و نرخ تعرفه اسمی طی دوره ۱۳۸۲ تا شهریور ۱۳۸۸

بر اساس گزارش جهانی تعرفه در سال ۲۰۰۷ که در آن نرخ ساده کل تعرفه ایران ۲/۲۶، کالاهای کشاورزی ۹/۲۸ و کالاهای صنعتی ۲۵/۸ عنوان شده بر اساس این نرخ تعرفه ایران از لحاظ

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

متوسط ساده تعرفه از جمله کشورهایی می‌باشد که بالاترین رقم تعرفه را دارد. به طوری‌که تنها چهار کشور باهاما (۹/۲۹)، کومور (۹/۲۸)، جیبوتی (۲۷/۸) و تونس (۲۶/۸) در جهان بوده‌اند که متوسط نرخ تعرفه‌ای بالاتر از ایران دارند. روند تغییرات نرخ‌های تعرفه در سال نخست و سال چهارم برنامه چهارم در جدول (۱۱) درج شده است. به طوری‌که این جدول نشان می‌دهد بر تعداد کالاهای که تعرفه بالایی دارند در طول سال‌های اخیر افزوده شده است.

جدول۱۱. روند تغییرات در نرخ تعرفه در طول برنامه چهارم

طبقه تعرفه‌ای	۱۳۸۴		۱۳۸۷	
	فراوانی مطلق	فراوانی تجمعی	فراوانی مطلق	فراوانی تجمعی
۴	۲۳۱۱	۲۳۱۱	۲۳۰۲	۲۳۰۲
۵	۲۵	۲۳۳۶	۳۱	۲۳۳۳
۱۰	۷۲۸	۳۰۶۴	۶۶۰	۲۹۹۳
۱۵	۵۸۹	۳۶۵۳	۵۳۳	۳۵۲۶
۲۰	۵۹۲	۴۲۴۵	۵۵۸	۴۰۸۴
۲۵	۳۷۹	۴۶۲۴	۳۱۴	۴۳۹۸
۳۰	۴۶۹	۵۰۹۳	۴۵۰	۴۸۴۸
۳۵	۳۵	۵۱۲۸	۵۸	۴۹۰۶
۴۰	۶۲۸	۵۷۵۶	۳۹۶	۵۳۰۲
۴۵	۴۶۹	۶۲۲۵	۲۶۷	۵۵۶۹
۵۰	۸۰	۶۳۰۵	۱۳۰	۵۶۹۹
۵۵	۴	۶۳۰۹	۱۰۱	۵۸۰۰
۶۰	۱۷۱	۶۴۸۰	۱۵	۵۸۱۵
۶۵	۲۶۹	۶۷۴۹	۱۳۳	۵۹۴۸
۷۰	–	۶۷۴۹	۲۶۶	۶۲۱۴
۷۵	۲	۶۷۵۱	۸	۶۲۲۲
۸۰	۱۰۶	۶۸۵۷	۱۴	۶۲۳۶
۹۰	–	۶۸۵۷	۶۷	۶۳۰۳
۹۵	–	۶۸۵۷	۵	۶۳۰۸
۱۰۰	۱۷	۶۸۷۴	۲۵۹	۶۵۶۷
۱۲۰	۱	۶۸۷۵	۲۶	۶۵۹۳
۱۵۰	۳	۶۸۷۸	–	۶۵۹۳
۲۰۰	۳۹	۶۹۱۷	۲	۶۵۹۵
۴۰۰	–	۶۹۱۷	۳	۹۵۹۸

مأخذ: دفتر مقررات صادرات و واردات سازمان توسعه تجارت.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

۷-۲. موانع غیرتعرفه‌ای

برنامه اول: بخش عمده‌ای از محدودیت‌های تجاری ایران در این دوره را محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای تشکیل می‌داد. این محدودیت‌ها عمدتاً از طریق اخذ مجوز برای واردات صورت می‌گرفت. بخش عظیمی از کالاهای وارداتی برای ورود نیاز به اخذ مجوز داشتند.

عمده‌ترین تحول در این برنامه در سال ۱۳۷۰ به وقوع پیوست. در این سال براساس مصوبه مورخ ۱۳۷۰/۳/۸ هیأت وزیران نیاز به اخذ مجوز از مراکز تهیه و توزیع کالا به شرط پرداخت ۱۰ درصد سود بازرگانی اضافی حذف گردید.

برنامه دوم: در این برنامه نیز مانند برنامه اول بخش عمده محدودیت‌ها موانع غیرتعرفه‌ای بود. این محدودیت‌ها از طریق اخذ مجوز برای واردات صورت می‌گرفت.

از میان ۵۱۱۶ ردیف تعرفه‌ای در سال ۱۳۷۸، حدود ۹۵/۱۹ درصد ردیف‌های تعرفه‌ای ورودشان مشروط و حدود ۳/۴۸ درصد ممنوع و حدود ۰/۱۶ درصد مجاز بودند و ۱/۱۷ درصد نیز تابع قوانین خاص بودند (رازینی، ۱۳۸۱).

برنامه سوم: در برنامه سوم در جهت حذف موانع غیرتعرفه‌ای نسبت به حذف بسیاری از مجوزهای وارداتی که از سوی وزارتخانه‌های مختلف صادر می‌شد، اقدام گردید. در این دوره برای واردات بسیاری از کالاها نیاز به اخذ مجوز از وزارتخانه‌های مختلف بود که به تدریج در طول دوسال نخست برنامه سوم حذف گردیده است.

از جمله موانع غیرتعرفه‌ای که در پایان برنامه سوم همچنان باقیمانده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- واردات برخی از محصولات کشاورزی همچون بذر و نهال به تأییدیه مؤسسه تحقیقات ثبت و گواهی بذر و نهال نیاز دارد.
- ورود تمام کالاهای قسمت ۲۱ فصل ۹۷ کتاب مقررات صادرات و واردات موکول به موافقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشد.
- ورود اسباب بازی (فصل ۹۵) نیاز به اخذ مجوز شورای فرهنگ عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی دارد.
- ورود برخی از تجهیزات پزشکی فصل ۹۰ همچون تجهیزات ردیف ۱۸ و ۱۹ موکول به موافقت وزارت بهداشت است.
- ورود و صدور طلا و نقره به هر شکل موافقت وزارت بازرگانی پس از کسب نظر

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

بانک‌مرکزی

- ورود کتب و نشریات علمی موکول به موافقت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و کسب نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.
- ورود کالاهای ردیف ۳۸۰۸ (حشره‌کش و...) موافقت وزارت بهداشت یا جهاد کشاورزی حسب مورد است.
- ورود هر نوع مواد مورد مصرف در صنایع غذایی، دارو، ویتامین، هورمون و... نیاز به اخذ مجوز وزارت بهداشت دارد.
- ورود برخی اقلام فصل ۲۷ مانند ۲۷۰۹، ۲۷۱۰ و ۲۷۱۳ موکول به اخذ مجوز وزارت نفت می‌باشد.

برنامه چهارم: در برنامه چهارم توسعه بر عدم وضع موانع غیرتعرفه‌ای بر تجارت تأکید شده‌بود و با حذف بسیاری از موانع غیرتعرفه‌ای در سال‌های قبل از اجرای برنامه چهارم توسعه، در این دوره حمایت‌ها عمدتاً از طریق موانع تعرفه‌ای دنبال شده است اما موانع غیرتعرفه‌ای کالاهایی که در پایان برنامه سوم موانع آنها مرتفع نشده همچنان برقرار است.

همان طور که اشاره شد، نظام تعرفه‌ای کشور در دو برنامه اخیر توسعه خود به سمت تسهیل تجاری و حذف موانع غیرتعرفه‌ای گام بر داشته است، اما هنوز نظام تعرفه‌ای کشور با برخی موانع غیرتعرفه‌ای مواجه بوده و از سوی دیگر، تعیین نرخ‌ها به صورتی نظام‌مند دنبال نمی‌شود و برخی تغییرات با سمت و سوی افزایشی در نرخ‌ها رخ داده است. به هر حال ایجاد ثابت در تعرفه‌ای و تعهد به عدم افزایش بجز موارد خاص از جمله موضوعاتی می‌باشد که لازم است در برنامه پنجم مورد توجه واقع شود.

۸. مبادی وارداتی کشور

از جمله موضوعات قابل توجه در واردات کشور، مبادی اصلی وارداتی کشور در طول برنامه‌های توسعه است. بررسی روند واردات کشور نشان می‌دهد در حالی که در برنامه اول توسعه اروپا با سهمی ۵۶ درصدی مبدأ اصلی واردات کشور بود در برنامه‌های بعدی به تدریج سهم اروپا کاسته شد و در برنامه‌های دوم، سوم و چهارم به ترتیب به ۵۲/۳، ۵۲/۱ و ۴۵/۵ رسید. در عوض سهم آسیا افزوده شد و از ۳۱/۷ در برنامه اول به ۲۹/۴ در برنامه دوم، ۳۹/۵ در برنامه سوم و سرانجام به ۵۰/۵

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

در برنامه چهارم رسید. در جدول (۱۲) توزیع واردات گمرکی به تفکیک قاره‌ها طی برنامه‌های توسعه مشاهده می‌شود.

جدول۱۲. توزیع واردات گمرکی کشور بر حسب قاره‌ها طی برنامه‌های توسعه

	مجموع واردات برنامه اول	سهم هر قاره از مجموع واردات برنامه اول* (درصد)	مجموع واردات در برنامه دوم	سهم هر قاره از مجموع واردات برنامه دوم (درصد)	مجموع واردات در برنامه سوم	سهم هر قاره از مجموع واردات برنامه سوم (درصد)	مجموع واردات در برنامه چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۶)	سهم هر قاره از مجموع واردات برنامه چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۶) (درصد)
آمریکا	۷۴۲۸	۹/۱	۸۹۴۴	۱۳	۷۱۵۵	۶/۲	۳۵۷۱	۲/۸
اروپا	۴۵۴۵۶	۵۵/۸	۳۵۸۷۷	۵۲/۳	۶۰۵۵۸	۵۲/۱	۵۸۸۵۴	۴۵/۵
آسیا	۲۵۸۳۹	۳۱/۷	۲۰۱۶۶	۲۹/۴	۴۵۹۴۳	۳۹/۵	۶۵۴۱۲	۵۰/۵
آفریقا	۵۴۴	۰/۷	۱۰۰۶	۱/۵	۸۵۲	۰/۷	۷۶۹	۰/۶
اقیانوسیه	۲۱۶۸	۲/۷	۲۶۳۹	۳/۸	۱۷۲۸	۱/۵	۸۰۳	۰/۶
جمع	۸۱۴۳۵	۱۰۰	۶۸۶۳۲	۱۰۰	۱۱۶۲۳۶	۱۰۰	۱۲۹۴۰۹	۱۰۰

* بدلیل موجود نبودن آمار واردات سال ۱۳۷۰ به تفکیک قاره‌ها، آمار سال مذکور منظور نشده است.

مأخذ: ترازنامه بانک مرکزی سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۸ و ۱۳۸۳ و۱۳۸۶.

در سال‌های اخیر، بیشترین کالاها از کشور امارت متحده عربی وارد کشور شده است. بعد از امارات عمدتاً کشور آلمان تأمین‌کننده محصولات وارداتی ایران بوده است. کشورهای چین، سوییس، فرانسه، کره جنوبی، ایتالیا، انگلستان، هند و ژاپن نیز از تأمین‌کنندگان اصلی واردات کشور در سال‌های اولیه برنامه بوده‌اند.

همان طور که در جدول (۱۳) ملاحظه می‌شود در سال ۱۳۸۸ همانند سال‌های قبل بیش از ۷۰ درصد واردات کشور فقط از طریق ۱۰ شریک عمده تجاری و ۳۰ درصد مابقی از طریق سایر کشورهای جهان صورت می‌گیرد. بنابراین واردات کالایی عمدتاً از بازارهای مشخصی صورت می‌گیرد و ترکیب بازارهای فوق طی سال‌های گذشته تقریباً ترکیب ثابتی را داشته است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

جدول۱۳. مبادی اصلی واردات کالا به ایران در سال۱۳۸۸

رتبه سال ۱۳۸۸	نام کشور	ارزش واردات در سال ۱۳۸۸ (میلیون دلار)	درصد سهم ارزشی از کل واردات	درصد تغییرات ارزش نسبت به سال ۱۳۸۷
۱	امارات متحده عربی	۱۶۱۴۷	۲۹/۲۶	۱۹/۶۸
۲	چین	۴۸۳۹	۸/۷۷	-۲/۱۴
۳	آلمان	۴۶۸۳	۸/۴۸	-۱۲/۷۹
۴	جمهوری کره	۳۴۵۵	۶/۲۶	۱۱/۲۸
۵	سوئیس	۲۱۳۳	۳/۸۷	-۳۹/۷۸
۶	ترکیه	۲۰۱۴	۳/۶۵	۳۳/۵۷
۷	ایتالیا	۱۸۸۸	۳/۴۲	-۴/۵۹
۸	هند	۱۷۹۳	۳/۲۵	-۱/۴۵
۹	انگلستان	۱۶۹۷	۳/۰۷	-۱۶/۷۷
۱۰	فرانسه	۱۶۸۷	۳/۰۴	-۱۵/۷۹
	جمع ده کشور	۴۰۳۲۷	۷۳/۰۷	۱/۳۴

مأخذ: آمار کارشناسی نشده گمرک ایران.

۹. واردات از مجاری غیررسمی

واردات قاچاق از مجاری غیررسمی از جمله معضلاتی است که تولید داخلی و تجارت رسمی را تهدید می‌کند. از جمله عللی که می‌توان برای واردات قاچاق بیان کرد، نرخ‌های بالای تعرفه‌ای برخی کالاهای مصرفی قاچاق‌پذیر می‌باشد. از جمله آثار و تبعات زیانبار قاچاق می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- قاچاق کالا موجب انحراف سیاست‌های بازرگانی و سیاست‌های تنظیم بازار می‌شود و دولت را از اهداف موردنظر دور می‌سازد.
- اهداف دولت را در زمینه توازن تجاری و سیاست‌های بازرگانی اتخاذ شده بی‌اثر می‌سازد.
- عدم تحقق‌بخشی از درآمدهای پیش‌بینی شده دولت از محل سود بازرگانی و حقوق گمرکی کالای وارداتی موجب کاهش درآمدها و عایدات دولت شده و به تبع آن سرمایه‌گذاری دولت در زیرساخت‌های کشور کاهش خواهد یافت.
- فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای ایجاد اشتغال مولد و مؤثر در رشد ناخالص داخلی را از بین می‌برد و در مسیر سرمایه‌گذاری انحراف ایجاد می‌نماید.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

- توسعه قاچاق کالا باعث گسترش تقاضا و تغییر الگوی مصرف شده و تقاضای کل را افزایش می‌دهد و به دلیل محدودیت عرضه باعث بروز فشارهای تورمی شده و عرضه را برای اقشار آسیب‌پذیر روز به روز تنگ‌تر می‌سازد.

- سبب ورود کالاهای مشابه خارجی بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی می‌گردد که در نتیجه آن این کالاها قیمت پایین‌تری نسبت به کالاهای داخلی خواهد داشت و در نتیجه صنایع داخلی نخواهد توانست با کالاهای مختلف قاچاق به رقابت بپردازند. لذا این امر موجب بر هم خوردن تعادل در بازار رقابتی شده و ورشکستگی بخش‌های تولیدی مهم‌ترین پیامد آن خواهد بود.

- تأثیر نامطلوبی برتخصیص منابع و ارزیابی طرح‌های اقتصادی داشته و به استنباط‌های نادرست اقتصادی منجر می‌شود.

- قاچاق کالا جذابیت لازم برای سرمایه‌گذاران داخلی و جذب سرمایه‌های خارجی جهت سرمایه‌گذاری‌های جدید را از بین می‌برد و این موضوع خود نیز باعث کاهش تولید ملی افزایش قیمت‌های داخلی و افزایش بیکاری می‌شود.

- سودآوری بسیار بالا و بدون زحمت قاچاق کالا منجر به توسعه شغل‌های کاذب از جمله دلالی شده و در این صورت، فناوری و کارافرینی دیگر مفهومی نخواهد داشت.

- از دیگر آثار اقتصادی قاچاق کالا می‌توان به کاهش ارزش پول ملی کشور اشاره نمود زیرا خروج ارز از کشور برای واردات قاچاق، افزایش تقاضای ارز را در بازار غیررسمی در پی خواهد داشت و افزایش تقاضای ارز به دلیل محدودیت‌های ارزی، کاهش ارزش پول ملی و در نتیجه تورم و افزایش قیمت‌ها را در پی خواهد داشت.

- صادرات و خروج کالا به‌صورت قاچاق در شهرت و اعتبار کالاهای ایران در خارج از کشور اثر منفی می‌گذارد.

از جمله مسائلی که می‌تواند زمینه‌های ورود و خروج کالا از مبادی غیررسمی را افزایش دهد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بالا بودن نرخ تعرفه کالاهای مصرفی
- وجود برخی موانع غیرتعرفه‌ای در تجارت رسمی
- طولانی و زمان بر بودن واردات از مجاری رسمی
- وجود انگیزه‌های گسترده اقتصادی برای قاچاق‌کنندگان به ویژه در قاچاق کالاهای وارداتی
- عدم وجود قانون جامع مقابله با قاچاق

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

- گستردگی مرزها و موانع کنترل آن

بررسی آمار پرونده‌های تشکیل شده برای قاچاق نشان می‌دهد اگرچه در طول سال‌های اخیر از تعداد پرونده‌ها کاسته‌شده، اما بر ارزش پرونده‌ها افزوده شده است. این موضوع نشان‌دهنده شکل‌گیری باندهای بزرگ (دانه‌درشت‌ها) در امر قاچاق کالا در کشور است. از جمله اقلام عمده قاچاق کالاهای وارداتی می‌توان به لوازم خانگی، چای، موتور سیکلت، سی‌دی خام، لوازم یدکی، نوشابه‌های خارجی و لوازم آرایشی اشاره کرد. در جدول (۱۴) آمار پرونده‌های تشکیل شده برای قاچاق کالا طی سال‌های (۱۳۸۷-۱۳۸۶) را نشان می‌دهد.

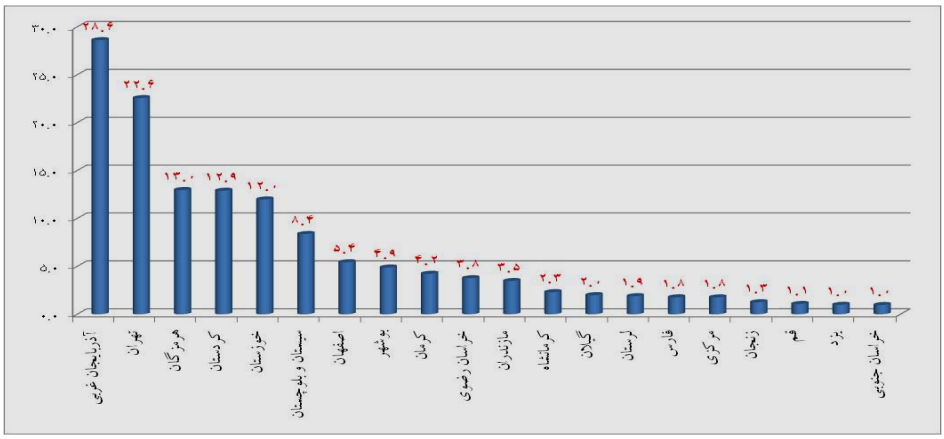
جدول۱۴. آمار پرونده‌های متشکله قاچاق کالا طی سال‌های (۱۳۸۷-۱۳۸۶)

(میلیارد ریال)

ردیف		سال ۱۳۸۷	سال ۱۳۸۶	درصد تغییرات
۱	**تعداد کل پرونده‌ها (فقره)**	۳۷۲۶۲	۴۴۰۳۴	-۱۵/۳۸
۲	**بهای مال کل پرونده‌ها**	۴۹۴۳/۷	۲۶۰۲/۱	۸۹/۹۹
۶	**تعداد متهمین**	۵۳۱۳۶	۵۸۸۰۷	-۹/۶۴

مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران.

نمودار (۷) فراوانی کشفیات قاچاق در ۲۰ استان اول را نشان می‌دهد. مطابق نمودار، آذربایجان‌غربی با رقمی معادل ۲۸/۶ بیشترین میزان کشفیات قاچاق را داشته است و کمترین میزان کشفیات در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا نه ماهه ۱۳۸۸ در خراسان جنوبی و یزد اتفاق افتاده است.

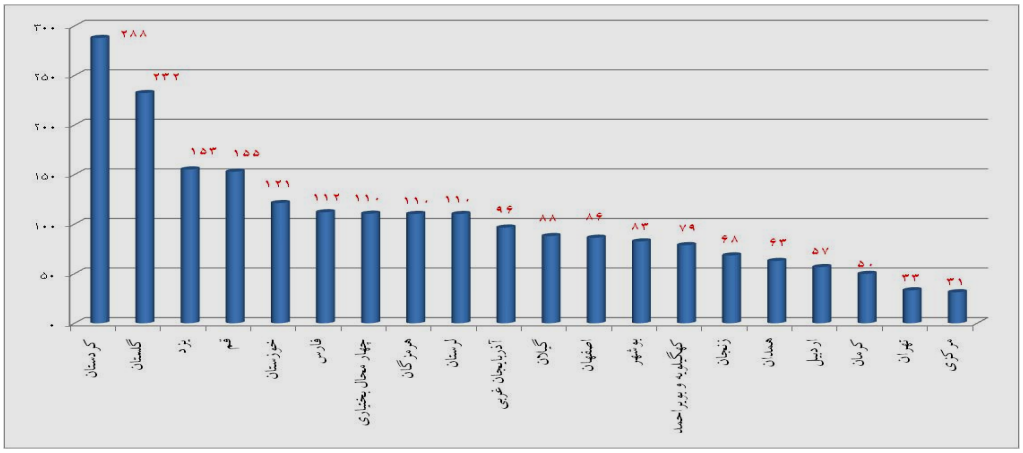


مأخذ: محاسبات معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی ، دفتر مطالعات اقتصادی.

نمودار ۷. فراوانی کشفیات قاچاق به تفکیک ۲۰ استان اول
(متوسط دوره نه ماهه، ۱۳۸۸-۱۳۸۵)

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

همچنین در نمودار (۸) رشد کشفیات قاچاق برای ۲۰ استان اول در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا نـه ماهه ۱۳۸۸ ارائه شده است.



* استان‌های مازندران و قزوین به دلیل پاره‌ای مشکلات آماری در نظر گرفته نشده‌اند.

مأخذ: محاسبات معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی ، دفتر مطالعات اقتصادی.

نمودار ۸. رشد کشفیات قاچاق به تفکیک ۲۰ استان اول
(متوسط دوره نه ماهه، ۱۳۸۸-۱۳۸۵)

همان‌گونه که در نمودار فوق ملاحظه می‌شود، کشف قاچـاق در اسـتان کردسـتان از بیـشترین رشد (۲۸۸ درصد) طی سال‌های یادشده برخوردار بوده است. در مقابل اسـتان مرکـزی بـا رشـد ۳۱ درصد کمترین رشد در کشف قاچاق کالا را داشته است.

۱۰. تحلیل SWOT واردات ایران

- **نقاط قوت**

– تبدیل بسیاری موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه در طول دو برنامه گذشته
– حذف مجوز برای واردات کالا
– امکان واردات تمام کالاها از مجاری رسمی
– افزایش اقلام مجاز به واردات بدون انتقال ارز
– دسترسی به ارز کافی برای واردات کالا به کشور

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

- **نقاط ضعف**

– بالا بودن نرخ متوسط ساده تعرفه کالا

– وجود برخی موانع غیرتعرفه‌ای

– وجود موانع مقرراتی و زمان بر بودن واردات

– حمایت‌های تعرفه‌ای از برخی صنایع داخلی به عدم کارایی بخش‌های حمایت‌شده و کاهش کیفیت کالا و یا خدمات تولیدی منجر شده است.

– عدم استقرار سیستم‌های یکپارچه الکترونیکی وسیستم پنجره واحد در تجارت خارجی

– امکان صورت حساب‌سازی در کالاهای وارداتی

– واردات قاچاق برخی اقلام مصرفی

– ورود کالاهای فاقد کیفیت

– واردات ماشین‌آلات مستعمل و انرژی‌بر

–

- **فرصت‌ها**

– انعقاد موافقت‌نامه‌های تجاری- منطقه‌ای

– بهره‌گیری از موقعیت ویژه جغرافیایی (نزدیکی به بازارهای آسیای‌میانه و قفقاز، شبه‌جزیره هند، کشورهای عربی، اروپای شرقی) و امکان ترانزیت کالا، مسافر و مبادله انرژی

– اجرایی‌شدن موافقتنامه‌های همچون ECO، D8، سازمان کنفرانس اسلامی و امکان امضای قراردادهای تجارت آزاد و قرارداد ترجیحات تعرفه‌ای با برخی از کشورها

– عضویت ناظر در سازمان جهانی تجارت و امکان عضویت دایم در سازمان مذکور

–

- **تهدیدها**

– عدم حضور اثربخش در اتحادیه‌ها و سازمان‌های تجاری منطقه‌ای و بین‌الملل

– آسیب‌پذیری تولیدات داخلی و سلامت مصرف‌کننده از عدم نظارت مناسب بر کیفیت کالاهای وارداتی

– امکان ورود حجم گسترده‌ای کالای قاچاق به کشور با افزایش تعرفه‌ها

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

۱۱. ترسیم و تحلیل چشم‌انداز واردات

از جمله موضوعات که در چشم انداز ۲۰ ساله مطرح شده و ارتباط نزدیک با تجارت و به‌ویژه واردات دارد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی
- رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی
- ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل
- حضور فعال و مؤثر در جهان اسلام
- دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت

۱۲. اهداف کلان (کیفی)

- گسترش هم‌پیوندی با اقتصاد جهانی
- تسهیل تجاری
- شفاف‌سازی نظام تجاری کشور

۱۳. اهداف کلان (کمی)

در سند مقدماتی پیشنهادی از سوی معاونت راهبردی ریاست جمهوری، واردات در برنامه پنجم در قالب ۳ گزینه ادامه روند موجود و هدف‌گذاری‌های مطلوب در جدول (۱۵) قابل ملاحظه است.

جدول۱۵. تصویر واردات در برنامه پنجم و افق چشم‌انداز از سوی معاونت راهبردی

روش	شاخص‌ها	واحد	متوسط برنامه سوم	متوسط سه سال اول برنامه چهارم	۱۳۹۳ (انتهای برنامه پنجم)	۱۴۰۴ (افق چشم‌انداز)
ادامه روند موجود (گزینه اول)	کل واردات کالا و خدمات	میلیون دلار	۳۲۳۴۴	۶۴۷۵۳	۱۰۳۸۰۶	۲۱۲۱۱۵
هدف‌گذاری مطلوب (گزینه دوم)	کل واردات کالا و خدمات	میلیون دلار	۳۲۳۴۴	۶۴۷۵۳	۱۱۱۰۹۳	۳۵۶۵۴۴
هدف‌گذاری مطلوب (گزینه سوم)	کل واردات کالا و خدمات	میلیون دلار	۳۲۳۴۴	۶۴۷۵۳	۱۱۱۰۹۳	۳۵۶۵۴۴

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

۱۴. راهبردها برای رسیدن به اهداف

به‌طوری‌که بیان شد یکی از اهداف حوزه واردات در برنامه پنجم گسترش، هم‌پیوندی با اقتصاد جهانی می‌باشد. امروزه نقش و حضور فعال کشورها در نظام‌های اقتصادی بین‌الملل در لحاظ نمودن منافع ملی کشورها بسیار حائز اهمیت است، به طوری‌که هر قدر ارتباطات اقتصاد داخلی با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای قوی‌تر باشد عملاً بخش بیشتری از خواسته‌ها، تمایلات و منافع کشور در قواعد نظام اقتصاد بین‌الملل مورد توجه قرار خواهد گرفت. این موضوع در زمینه تجارت و بازرگانی خارجی به واسطه شکل‌گیری و گسترش سازمان‌هایی همچون سازمان جهانی تجارت و حضور بیش از ۱۵۰ کشور در این سازمان اهمیت بیشتری می‌یابد. این مسئله به واسطه اعمال محدودیت‌های مقررات تجاری برای کشورهای بیرون از انحصار این سازمان می‌تواند کشور را در بهره‌گیری از فرصت‌های فراروی خود در عرصه‌های جهانی‌شدن باز دارد. لذا راهبردهای بخش بازرگانی برای تحقق این هدف عبارتند از:

- گسترش همکاری‌های منطقه‌ای
- گسترش همکاری در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی

از دیگر اهداف پیش‌بینی‌شده برای واردات تسهیل تجاری است. تسهیل تجاری به مفهوم مجموعه اقداماتی است که در جهت ساده‌سازی و شفاف‌سازی و استفاده از تکنولوژی اطلاعات می‌تواند فرایند تجارت را تسهیل و تسریع نماید. استفاده مؤثرتر از فناوری‌های نوین ضمن کاهش هزینه بسیاری از خدمات و محصولات منافع و درآمدهای به دست آمده را همچنان افزایش می‌دهد. لذا عرضه محصولات با قیمت‌های مناسب از طریق فضاهای مجازی با سرعت بسیار بالا رو به رشد می‌باشد، به گونه‌ای که حجم قابل توجهی از مبادلات از طریق تجارت الکترونیکی انجام می‌شود و افزایش فزاینده کاربران اینترنت و زیرساخت‌های لازم تجارت الکترونیکی نوید آینده‌ای بسیار مناسب برای این شیوه از تجارت دارد. بروکراسی تجاری که پیشتر شرح داده شد از دیگر موانعی است که لازم است در راستای دستیابی به تسهیل تجاری مرتفع گردد. در این خصوص می‌توان به راهبردهای زیر اشاره کرد:

- بکارگیری ابزارهای فناوری در تجارت
- رفع موانع نهادی

سرانجام آخرین هدف پیش‌بینی شده برای واردات شفاف‌سازی نظام تجاری کشور بود. تاکنون میزان واردات به صورت هدفمند تعیین نشده است از یک سو واردات کالاهای سرمایه‌ای و

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

واسطه‌ای و مواد اولیه در برخی موارد متناسب با تقاضای مورد نیاز نبوده و منجر به انباشته شدن کالاهای یاد شده می‌شود و از سوی دیگر برای واردات کالاهای مصرفی استانداردهای جامعی تدوین نشده و امکان واردات کالاهای بی‌کیفیت خارجی از مجاری رسمی و غیررسمی وجود دارد. لذا به منظور نیل به این هدف، راهبرد مدیریت نوین و مؤثر واردات به عنوان راهبرد بخش بازرگانی درنظر گرفته شده است.

۱۵. سیاست‌ها

سیاست‌های موردنظر برای واردات که یکی از مؤلفه‌های اصلی بخش تجارت خارجی است بر اساس راهبردهای تعیین شده به شرح زیر تعیین می‌شود:

– گسترش همکاری‌های منطقه‌ای

- گسترش تعداد موافقتنامه دو جانبه با کشورهای مختلف
- عضویت در اتحادیه‌های تجاری منطقه‌ای
- گسترش کالاهای مشمول موافقتنامه‌های همکاری دوجانبه و چندجانبه

– گسترش همکاری در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی

- حضور مؤثر در سازمان‌های بین‌المللی
- بسترسازی جهت حضور در سازمان جهانی تجارت

– بکارگیری ابزارهای فناوری در تجارت

- استقرار نظام پنجره واحد تجارت خارجی

– رفع موانع نهادی

- همسو سازی قوانین و مقررات تجاری با قوانین حاکم بر سازمان جهانی تجارت
- هدفمندی تعرفه‌ها

– مدیریت نوین و مؤثر واردات

- استفاده مؤثر از اقدامات حفاظتی برای حمایت از تولید داخلی
- استفاده مناسب از ابزارهای فنی در کنترل کیفیت واردات
- مقابله با قیمت‌شکنی(دامپینگ) و تجارت غیرمنصفانه

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

۱۶. راهکارهای متناسب با هر سیاست

- گسترش تعداد موافقتنامه دو جانبه با کشورهای مختلف

–شناسایی حداقل ۵ کشور برای انعقاد موافقتنامه تجارت آزاد

- عضویت در اتحادیه‌های تجاری منطقه‌ای

–بررسی امکان سنجی عضویت در یکی از موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای (همچون GCC)

- گسترش کالاهای مشمول موافقتنامه‌های همکاری دو جانبه و چندجانبه

–گسترش کالاهای مشمول موافقتنامه‌های همکاری دو جانبه و چندجانبه فعلی بر اساس برنامه زمانبندی شده

- حضور مؤثر در سازمان‌های جهانی

–حضور فعال در سازمان‌های جهانی و رایزنی با کشورها برای اخذ پست‌های کلیدی

- بستر سازی حضور در سازمان جهانی تجارت

–شناسایی میزان آسیب پذیری بخش‌ها در صورت الحاق (دست‌کم میزان آسیب‌پذیری تمام فعالیت‌های صنعتی بر اساس کد ISIC سه رقمی تعیین شود)

- استقرار نظام پنجره واحد تجارت خارجی

–استاندارد سازی فعالیت‌های سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مرتبط با تجارت خارجی، الکترونیکی نمودن و مرتبط نمودن آنها در یک مجموعه واحد

- همسو سازی قوانین و مقررات تجاری با قوانین حاکم بر سازمان جهانی تجارت

–همسو سازی قانون مقررات صادرات و واردات، قانون امور گمرکی و قانون تجارت با قوانین حاکم بر سازمان جهانی تجارت

- هدفمندی تعرفه‌ها

–زمان‌دار شدن تعرفه‌ها و انجام تغییرات در آن بر مبنای یک مدل کلی

- استفاده مؤثر از اقدامات حفاظتی برای حمایت از تولید داخلی

–ایجاد کمیته‌ای به منظور تعیین معیارها و مصادیق برای انجام اقدامات حفاظتی، شناسایی ابزار فنی و اقدامات مقابله با دامپینگ

- استفاده مناسب از ابزارهای فنی در کنترل کیفیت واردات

–ایجاد کمیته‌ای به منظور تعیین معیارها و مصادیق برای انجام اقدامات حفاظتی، شناسایی ابزار فنی و اقدامات مقابله با دامپینگ

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

–تدوین دستورالعملی برای واردات ماشین‌آلات مستعمل

● مقابله با قیمت‌شکنی(دامپینگ) و تجارت غیرمنصفانه

–ایجاد کمیته‌ای به منظور تعیین معیارها و مصادیق برای انجام اقدامات حفاظتی، شناسایی ابزار فنی و اقدامات مقابله با دامپینگ

۱۷. الزامات مورد نیاز برای اجرای سیاست‌ها

– بازنگری در نظام تعرفه‌ای موجود به طوری که حمایت از تولیدات داخلی از لحاظ دوره زمانی محدود بوده و نیز به کاهش قیمت، ارتقاء کیفیت و افزایش عملکرد صادراتی مشروط باشد.

– پیش‌آگهی تغییرات در سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های اقتصادی و تجاری همچون یارانه‌ها، نرخ ارز، تغییرات در حقوق ورودی و... به منظور فراهم نمودن شرایط قابل پیش‌بینی برای سرمایه‌گذاران و فعالان بخش بازرگانی خارجی

– انعقاد قراردادهای تعرفه ترجیحی، تجارت آزاد و اتحاد گمرکی به صورت دو جانبه یا در اتحادیه‌های اقتصادی و در گستره جهانی اعم از پیوستن به سازمان جهانی تجارت

– رفع موانع غیرتعرفه ای (NTB)

– فراهم آوردن شرایط و بسترهای مناسب جهت توسعه آگاهی‌ها و ارائه آموزش‌های پیشرفته به تجار و سایر فعالان بخش (به ویژه آموزش زبان‌های بین‌المللی و مهارت‌های فنی)

– توسعه زیر ساخت‌های تجارت الکترونیک

– تلاش در جهت رفع تنش‌های سیاسی در عرصه بین‌المللی در راستای تنظیم روابط با سایر کشورها

– هماهنگی سیاست‌های، پولی، مالی، بخشی و منطقه ای کشور با سیاست‌های تجاری کشور

– ایجاد و تأمین زیرساخت‌های حمل و نقل (راه‌ها، فرودگاه‌ها، بنادر، اسکله‌ها، راه‌آهن، ناوگان‌های حمل و نقل و..)، انبارداری، ذخیره سازی و...

– تأمین منابع مالی کافی در بودجه‌های سنواتی

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

منابع

باستانی، علیرضا و فرزانه نجفیان (۱۳۸۸)، "راهبردهای توسعه تجاری؛ مبانی نظری و تجربه ایران"، دفتر مطالعات اقتصادی وزارت بازرگانی.

ابریشمی، حمید، مهرآرا، محسن و رضا محسنی (۱۳۸۵)، "تأثیر آزاد سازی تجاری بر صادرات و واردات"، *پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۴۰.

تشکینی، احمد و علیرضا باستانی (۱۳۸۵)، "تخمین تابع تقاضای واردات برای اقتصاد ایران (۱۳۸۲-۱۳۳۸)"، *پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۴۰.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره حساب‌های اقتصادی، *گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی*، سال‌های مختلف.

رازینی، ابراهیم‌علی (۱۳۷۸)، "روش‌های منطقی کردن تعرفه‌ها در اقتصاد ایران"، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

رازینی، ابراهیم‌علی (۱۳۸۱)، "سیاست‌های حمایتی و پیامدهای آن در ایران"، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

رازینی، ابراهیم علی و علیرضا باستانی (۱۳۸۳)، " گزارش حذف موانع غیرتعرفه‌ای و تبدیل آنها به تعرفه‌های معادل"، وزارت بازرگانی معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، *قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران(۱۳۸۸-۱۳۸۴)*، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، *قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳ - ۱۳۷۸)*، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول.

سالواتوره، دومینیک (۱۳۶۸)، *تئوری و مسائل اقتصاد بین‌الملل*، ترجمه حسن گلریز، نشر نی، چاپ اول.

سلمانی، بهزاد و کاظم یاوری (۱۳۸۳)، "سیاست تجاری و رشد اقتصادی، مورد کشورهای صادرکننده نفت"، *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۳۰.

گمرک جمهوری اسلامی ایران، *آمار بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی ایران*، سال‌های مختلف.

مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۳۷۵)، *راهنمای تجاری دور اروگوئه*، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، چاپ اول.

وزارت بازرگانی، *قانون مقررات صادرات و واردات*، سال‌های مختلف.

Bhagwati, J. & T. Srinivasan (1999), "Utward-Orientation and Development: Are Revisionists Right?", Economic Growth Centre, Discussion Paper, No. 806. Yale University.

Briefings Notes (2008), "World Trade Organization, 5th Ministerial Conference Cancun", Mexico, WORLD TARIFF PROFILES:

Cristian, Moran (1989), "Imports Under a Foreign Exchange Constraint", *The World Bank Economic Review*, Vol.3, No 2.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

Dollar, D. (1992), "Outward-Oriented Developing Economies Really Do Grow More Rapidly: Evidence from 95 LDCs, 1976-1985", *Economic Development and Cultural Change,* Vol. 40, No. 3, PP. 523-544.

Dollar, D. & A. Kraay (2002), "Growth is Good for the Poor", *Journal of Economic Growth*, Vol. 7, No. 3.

Edwards, S. (1998), "Openness, Productivity and Growth: What do We Really Know?", *The Economic Journal*, Vol. 108, No. 447, PP. 383-398.

Feenstra, R. & A. Rose (1997), "Putting Things in Order: Patterns of Trade Dynamics and Growth", Working Paper Series No. 97-14*,* University of California, Davis.

Houthakker & Magee (1969), "*Income and Price Elasticitties in World Trade*", *Review of Economics and Statistics*, Vol.51.

Jonson, G. & A. Subramanian (2001), "Dynamics Gains from Trade: Evidence from South Africa", IMF Staff Paper, Vol. 48, No. 1, Washington: International Monetary Fund.

Patterson, Seymour (2006), "The Development of Free Trade in the 1990s and the New Rhetoric of Protectionism", Lewiston, NY, Edwin Mellon Press.

Pineda, J. (2004), "Commercial International Economic Venezuela", Revisit BCV, Vol. XVIII, No. 1.

Rodriguez, F. (2006), "Openness and Growth: What have we learned?", Department of Economics, Wesleyan University, Mimeo.

Rodriguez, F. & D. Rodrik (2000), "Trade Policy and Economic Growth: a Sceptic's Guide to the Cross-National Evidence", Macroeconomics Annual.

Sachs, J. & A. Warner (1995), "Economic Reform and the Process of Global Integration", *Brookings Papers on Economic Activity*, Vol. 1, PP. 1-118.

Vant, Thomas R. (2006), "Resist Protectionism", *OECD Observer*, No. 255, May , PP. 37-38.

Wacziarg, R. & K. Welch (2003), "Trade Liberalization and Growth: New Evidence", *National Bureau of Economic Research,* Working Paper, No. 10152.

Zhang, Xiaoming & Zou Heng-fu (1995), "Foreign Technology Imports and Economic Growth in Developing Countries", The World Bank, Policy Research Department.

Houthakker & Magee (1969), "Income and Price Elasticitties in world Trade", *Review of Economics and Statistics*, May, Vol.51.

Cristian, Moran (1989), "Imports Under a Foreign Exchange Constraint", *The World Bank Economic Review*, Vol.3, No. 2.

www.wto.org/english/res_e/booksp_e/tariff_profiles08_e.pdf.

http://oecdobserver.org/news/printpage.php/aid/1861/Resist_pro tectionism.htm.

http://www.wto.org/english/thewto_e/minist_e/min99_e/english/about_e/22fact_e.html

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]